

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ ایثار و شهادت

از نگاه امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

ویراست اول



گردآوری و تنظیم:

www.nomov.ir

فهرست

فصل اول: معنا و مفهوم شهادت ۱۰

- ۱۱..... شهید سرمایه اصلی، جان خودش را برای یک هدف الهی صرف می کند.
- ۱۱..... برگزیدگان خدا روی زمین.
- ۱۱..... زیباترین ارزش انسانی و الهی.
- ۱۱..... شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است.
- ۱۲..... شهادت از برجسته ترین موضوعات اسلام.
- ۱۲..... بالاترین افتخار.
- ۱۲..... شهادت تلاشی از همه سو سود، بدون زیان.
- ۱۳..... خون و شخصیت شهید ضایع نشدنی و رخت نبستی.
- ۱۳..... نقش ایمان و ارزش های الهی در شهادت.
- ۱۴..... شهدا اوج ایثار و گذشت هستند.

فصل دوم: ارزش و اهمیت و عظمت شهادت و شهدا..... ۱۵

- ۱۶..... استثنائی بودن مسئله شهید در میان دیگر حوادث انقلاب.
- ۱۶..... بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله.
- ۱۶..... شهادت بالاترین اجر در مبارزه راه خدا.
- ۱۶..... برجستگان زمان.
- ۱۷..... شهادت هدیه الهی.
- ۱۸..... شهادت مرگ تاجرانه.
- ۱۸..... ارزش والای شهادت در پیشگاه الهی.
- ۱۸..... نسبت فلسفه ی شهادت با مبانی دینی و فلسفه دین.
- ۱۹..... بزرگترین لطف خدای متعال به شهید.
- ۱۹..... شهید بزرگترین شاکر شهادت.
- ۱۹..... تفاوت ارزش شهادت در زمان های گوناگون.
- ۲۰..... ارزش مضاعف مجاهدت و فداکاری در زمان ما.
- ۲۰..... تقدیم عزیزترین سرمایه در راه خدا.

مظهر عقلانیت دینی، مدافع حقانیت و عدالت.....	۲۰
برای شهدا قادر به تعیین درجه نیستیم.....	۲۱
شهادت عامل ماندگاری و پایداری ارزش ها.....	۲۱
قائل بودن ارزش الهی برای شهدا.....	۲۱
ستارگان درخشانی که میتوانند عالمی را روشن کنند.....	۲۲
افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد.....	۲۲
هر آنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است.....	۲۲
شگفتی بزرگ : شهدا ره صد ساله را یک شبه پیمودند.....	۲۳
شهدا عوض کنندگان مسیر تاریخ.....	۲۳
شهدا از همه‌ی خواسته‌های شخصی خود دل بریدند.....	۲۳
شهدای زمان ما در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند.....	۲۴
ملت نمیتواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد.....	۲۴
شهدای دانشجو ارزش عمل شهادت را دو برابر میکند.....	۲۴
زمان‌شناسی و عمل به‌هنگام رزمندگان و شهدا در دفاع مقدس.....	۲۴
بعد از شهدای کربلا، شهدای دفاع مقدس نظیر ندارند.....	۲۵
مظهر و نماد فضائل انسانی.....	۲۵

فصل سوم: ارزش و ویژگی های شهدای مدافع حرم..... ۲۶

مقام والای شهدای مدافع حرم.....	۲۷
شهدای مدافع حرم افتخار دنیای اسلام و دنیای تشیعند.....	۲۷
مدافعان حرم برای رفتن دفاع از حریم اهل بیت به ما التماس میکنند.....	۲۷
امتیاز های شهدای مدافع.....	۲۷
از دو جهت شهدای مدافع حرم عزیزند.....	۲۸

فصل چهارم: ارزش خانواده شهدا..... ۳۰

صبر و متانت خانواده شهید.....	۳۱
لزوم حق گذاری ایران و ایرانی نسبت به شهدا و ایثارگران.....	۳۱
تأثیر و ارزش رفتار و حرکت خانواده شهیدان و ایثارگران.....	۳۱
خانواده شهدا پشت سر شهدا قرار دارند.....	۳۱

- ۳۲.....رقم زدن حوادثی عظیم، توسط خانواده شهدا
- ۳۲..... شماها اسلام را زنده کردید.
- ۳۲..... احساس امام خمینی نسبت به خانواده ها.
- ۳۳..... این سختی‌هایی است که خانواده‌های رزمندگان تحمل کردند.
- ۳۳..... جانبازان؛ شهدای زنده هستند
- ۳۳..... تربیت فرزندان از مجاهدت‌های همسران شهدا است
- ۳۴..... ایثارِ ارزشمندِ همسران جانبازان
- ۳۴..... شهادت محصول تلاش دست‌جمعی یک مجموعه انسان.
- ۳۵..... روحیه‌ی شجاع و قوی مادران.
- ۳۵..... ارتباط با خانواده شهدا، مغتنم حقیقی و قلبی امام خامنه‌ای
- ۳۵..... همه ملت باید سپاسگزار خانواده شهدا باشند.

۳۶ فصل پنجم: ثمرات و برکات شهدا و خانواده‌هایشان

- ۳۷..... بخش اول: احیای اسلام.
- ۳۷..... عزت امروز اسلام و مسلمین.
- ۳۷..... رعب دستگاه‌های کفر و استکبار.
- ۳۷..... اهتزاز پرچم اسلام.
- ۳۸..... شهدا، دنیای استکبار را وادار به پذیرش جمهوری اسلامی کردند.
- ۳۸..... راه آبرو و عزت برای ملت‌ها.
- ۳۸..... ماندگاری اسلام مرهون فداکاری شهدا و صبر خانواده‌های آنها.
- ۳۹..... شهدا در احقاق و درخشش حق به شهادت رسیدند.
- ۴۰..... بخش دوم: به وجود آمدن انقلاب اسلامی و پیشبرد آن.
- ۴۰..... پشتیبانان حرکت و خدمت برای نظام.
- ۴۰..... نظام باقی نمی‌ماند.
- ۴۰..... موفقیت‌های کشور مدیون ایثارگری‌های مردم.
- ۴۱..... نتیجه فعالیت کار شهیدان بر روی انقلاب و جوانان.
- ۴۱..... تاثیر شهادت در پیشرفتهای عظیم و سربلندی هر ملت.
- ۴۱..... مسأله شهادت در راه خدا برایش حل شده است، آیا تحت تأثیر تهدید قرار می‌گیرد؟!.

۴۲.....	شکست استکبار، سیادت اسلام و ملت
۴۳.....	ترس دشمنان از انقلاب اسلامی و شهدا
۴۳.....	این فرهنگ اگر عمومی شد.....
۴۳.....	قاموس شهرداری در فرهنگ کشور مانع غلبه استکبار
۴۴.....	یاد شهیدان، احساس عظمت و استغنائی از غیر خدا
۴۴.....	اثرات تفهیم معنای واقعی شهادت.....
۴۴.....	آن چیزی که میتواند ملت را سرپا نگه دارد.....
۴۴.....	روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور است.....
۴۴.....	خانواده های شهدا، نماد صبر و بصیرت.....
۴۵.....	روحیه خانواده شهدا؛ عامل حفظ عظمت نظام.....
۴۵.....	خانواده های شهدا حق بزرگی بر گردن ملت دارند.....
۴۶	فصل ششم: پیام و راه شهدا.....
۴۷.....	حفاظت از خون شهید با حفاظت از اهداف او میسر می‌شود.....
۴۷.....	دنبال کردن راه شهدا یعنی ارزشهای اسلامی را دنبال کنیم.....
۴۸.....	این راه، راه ارزشهاست.....
۴۸.....	حفظ راه شهدا وظیفه همه ما است.....
۴۸.....	گاهی رنج زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست.....
۴۹.....	راه شهدا، راه دین بود.....
۴۹.....	اگر میگوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم.....
۴۹.....	درس بزرگ.....
۴۹.....	رخت بستن گرایش به شرق و به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد.....
۵۰.....	در پیشرفت خود دارای خوف نباشد.....
۵۰.....	عدم توقف در مسیر، کار شهداست.....
۵۱.....	پیام شهیدان، پیام نفی ترس و اندوه است.....
۵۱.....	احتیاج امروز.....
۵۱.....	دو موضع گیری و حرکت زیبای شهیدان.....
۵۲.....	اهمیت گذشت در راه خدا و پیروزی کلمه حق.....

پیام شهیدان این است که تسلیم و سوسه غنیمت نشوید ۵۳

شهدا زاهدترین و پارساترین افراد ۵۳

ایستادگی مطلق و استقامت در برابر دشمن ۵۳

پیام همیشگی شهیدان است ۵۴

اثر رسیدن پیام شهدا ۵۴

فصل هفتم: فرهنگ شهیدایی ۵۶

بخش اول: معنا و مفهوم ۵۷

فرهنگ شهادت یعنی ۵۷

باید بتوانیم این روحیه را در همه گسترش بدهیم که بایستند ۵۷

اولی بودن خانواده های شهدا در خودسازی ۵۷

لزوم تعمیق باورهای مردم در فرهنگ سازی شهیدایی ۵۸

هدف از کار فرهنگ شهیدایی رساندن مطلب به عمق وجود ۵۸

بخش دوم: ارزش و لزوم فرهنگ سازی ۵۸

یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است ۵۹

تقویم دفاع مقدس ۵۹

مساله شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه است ۵۹

حفظ روحیه میدان های نبرد ۶۰

نقش دشمنان در زدودن فرهنگ و وظیفه مقابل با آنان ۶۰

نگذارید غبارهای فراموشی روی این خاطره های گرامی را بگیرد ۶۰

اثرات و لزوم فرهنگ سازی در مقابلات هجمه های دشمنان ۶۱

نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید نفوذی های دشمن وارد میشوند ۶۲

صلاح کشور در گرامیداشت یاد شهیدان است ۶۲

خورشید فروزان شهادت، همه ی حجابهای تحریف و فریب را، خواهد شکافت ۶۳

عزیزان یک فریضه است. بعضی ها میخواهند این را به فراموشی بسپارند ۶۳

می خواهند جاذبه ی شهادت کور بشود، مسدود بشود، ۶۳

بخش سوم: جاری شدن فرهنگ شهادت توسط خود شهیدان ۶۴

نقش شهدای مدافع حرم در تغییر فضای فرهنگ شهیدایی ۶۴

- جاری شدن فرهنگ شهادت توسط شهیدان و دانستن معنای شهادت..... ۶۴
- نقش شهدا در فرهنگ شهدایی در جهان ۶۴
- بخش چهارم: جاری شدن فرهنگ شهادت توسط خانواده شهدا ۶۵
- مجاهدت شما ادامه دارد. ۶۵
- بخش پنجم: زنده شدن رسم شهادت با نظام اسلامی ۶۵
- نقش انقلاب اسلامی در پیشبرد فرهنگ شهدایی ۶۵
- بخش ششم: نقش خداوند تبارک و تعالی ۶۶
- سنت الهی در پانگه داشتن یاد شهیدان، فرهنگ شهادت ۶۶
- نقش خدا در تاثیر گذاری بر فضای شهدایی ۶۶
- بخش هفتم: نقش و وظیفه ارگانها ۶۶
- اهمیت ادامه دادن راه توسط بازماندگان شهدا ۶۷
- خانواده های شهدا یاد آور و مظهر افتخار ملت ۶۷
- درس اربعین حسینی(ع) ۶۸
- نقش خانواده شهدا در برابر فرهنگ شهدایی ۶۹
- اگر خانواده های شهدا این صبوری را نمیداشتند ۶۹
- بایستی همه ی توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت خانواده ی شهدا قرار بدهد. ۶۹
- خدمات معنوی و فکری لازم تر است. ۷۰
- بخش هشتم: ویژگی های فعالان فرهنگی ۷۰
- نجابت و معصومیت و استحکام و اطمینان به سخن را داشته باشد..... ۷۰
- بخش نهم: روش ها و نکات فرهنگ سازی ۷۱
- یک جوان امروز، نوجوان امروز، [باید] بداند که دفاع مقدس چه بود ۷۱
- در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً به دست فراموشی سپرده نشود ۷۱
- خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم..... ۷۲
- هدفان نفوذ معارف شهادت در دل مخاطبین باشد ۷۲
- کتاب و یادواره ۷۲
- کار چشم نواز لازم است اما مسائل محتوایی لازم است..... ۷۳
- باید سبک زندگی شهیدان را برای جوانان ترسیم کنیم..... ۷۳
- بزرگداشت شهیدان کارهای بسیار باارزشی است..... ۷۳

- ۷۳.....جنبه های محتوایی تقویت شود
- ۷۴.....شهیدا نباید تفکیک شود
- ۷۴.....فرهنگ شهدایی با معرفی شهدای یه قشر
- ۷۴.....چگونگی فرهنگ سازی شهادت و کار شهید آوینی در این زمینه
- ۷۵.....نباید احساسات و حالتی که در دوران جنگ بود، از حافظه ها زدوده شود
- ۷۵.....نکته ی در باب مستند سازی شهدا
- ۷۶.....شهیدا را باید با شیوه های گوناگون به عنوان الگو جلوی چشم نگه دارید
- ۷۶.....شهیدا را برجسته کنید الگو نمایید

۷۷ فصل هشتم: تکریم

- ۷۸.....فریضه یی عینی و تعیینی و همیشگی
- ۷۸.....یکی از فرصتهای عرض ارادت و اخلاص
- ۷۸.....کار در جهت دفاع از نظام اسلامی و مؤثر در این راه است
- ۷۸.....تکریم شهدا فقط به معنای تکریم او نیست بلکه تکریم کار او هم هست
- ۷۹.....وظیفه ما و شما
- ۷۹.....احترام شهدا و خانواده آنها راهبرد حقیقی برای ملت
- ۷۹.....اهمیت احیاء و حفظ مفهوم شهادت
- ۷۹.....جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد
- ۸۰.....جلسات بزرگداشت شهدا، ادامه ی حرکت جهادی و ادامه ی شهادت است
- ۸۰.....جانبازها وقتی به طور متمایز و شاخص در جامعه تجلیل بشوند
- ۸۰.....یاد شهیدان باید با تدبر و عبرت گیری همراه باشد

فصل اول:

معنا و مفهوم شهادت

شهید سرمایه اصلی، جان خودش را برای یک هدف الهی صرف می‌کند.

شهادت یکی از آن مفاهیمی است که فقط در ادیان معنا می‌دهد؛ اگرچه در همه‌ی ملّتها و کشورها اگر کسی در راه هدفهای ملّی کشته بشود، به او شهید می‌گویند... اما در حقیقت نام شهید و معنای شهید در آنجایی صادق است که ادیان در آنجا هستند. شهید یعنی آن انسانی که در راه آرمانهای معنوی کشته میشود و جان خود را - که سرمایه‌ی اصلی هر انسانی است - صرف میکند برای یک هدف و مقصد الهی و خدای متعال هم در پاسخ به این ایثار و این گذشت بزرگ، حضور او را در ملّت او تداوم میبخشد و یاد او، فکر او، آرمان او زنده میماند. این خاصیت کشته شدن در راه خدا است. آن کسانی که در راه خدا کشته میشوند، زنده هستند. جسم آنها زنده نیست، اما وجود حقیقی آنها زنده است. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

برگزیدگان خدا روی زمین.

شهادت، گل خوشبو و معطّری است که جز دستِ برگزیدگان خداوند در میان انسانها، به آن نمیرسد و جز مشام آنها آن را بو نمیکند. (۱۳۸۰/۰۷/۰۴)

زیباترین ارزش انسانی و الهی.

شهادت بدین معنا است که یک انسان برترین و محبوبترین سرمایه‌ی دنیوی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است و این یکی از زیباترین ارزش‌های انسانی است. و آنگاه که آرمان مطلوب او الهی و آرزوی همه‌ی پیامبران خدا است، این ارزش، در صدر همه‌ی نیکی‌های بشری قرار می‌گیرد و در هیچ ترازوی مادی نمی‌گنجد. پذیرش این تفکر همان عامل خیره کننده‌ای است که به مجاهدان راه حقیقت، نیرویی برای باطل ساختن همه‌ی محاسبات جبهه‌ی خصم می‌بخشد و چنانکه به تجربه دانسته شده است، دشمن حقیقت را دچار بن‌بست و عجز و حیرت می‌سازد. (۱۳۸۱/۱۰/۱۵)

شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است.

مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده‌ایم. مردن، سرنوشت اجتناب‌ناپذیر هر یک از ماست. «جان» متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ منتها دو جور ممکن است این متاع را و این جان را از دست داد: یکی این جور که این متاع را گم کنیم، یکی اینکه آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آنهایی که می‌میرند و

در راه خدا کشته نمیشوند و در راه خدا نمی‌میرند، آنها جانشان را گم کرده‌اند؛ چیزی در مقابل گمشده، در دست کسی نیست. آنهایی که این متاع را در راه خدا میدهند و جانشان را در راه خدا مصرف میکنند، کسانی هستند که این را می‌فروشند و در مقابلش چیزی می‌گیرند؛ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ إِنَّ اللَّهَ لَشَرِيٌّ رَّا گرفت، رضای الهی را گرفت که بالاترین دستاوردها است. با این دید به شهادت و مردن در راه خدا نگاه کنیم. شهادت مرگ زیرکان است؛ مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دست آنها برود و در مقابل آن، چیزی عایدشان نشود. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

شهادت از برجسته ترین موضوعات اسلام

شهادت و شهید، یکی از برجسته‌ترین موضوعات اسلام است. (۱۳۸۰/۰۷/۰۴)

بالاترین افتخار

معیار اسلامی، «شهید» را از زمره‌ی مردم معمولی بیرون می‌برد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن یک نگاه والائی است که به عقل ما هم درست نمی‌گنجد. حتی با نگاه‌های مادی معمولی، شهید آن کسی است که جان خود را برای نجات شرف و استقلال ملتش فدا کرده. هیچ وجدان و شرفی، هیچ دل بیدار و غیر بیماری میتواند این را انکار کند؟ در کشور ما، در ایران اسلامی ما در یک برهه‌ای از زمان سعی کردند این را انکار کنند. فرزندان شهدا به نام پدران‌شان افتخار کنند. آنها کسانی بودند که نه در راه تهاجم به یک کشور بیگانه و به یک همسایه، در راه مقابله‌ی با تهاجم یک دشمن، در راه حفظ میهن، حفظ استقلال، حفظ شرف ملی ایستادگی کردند. آن کسانی که در زمان حکومت شریر بعثی، به ایران حمله کردند و میخواستند ایران یا لااقل قسمتی از ایران را مثل وضع فعلی عراق بکنند این جوان رزمنده‌ی ما نگذاشت. کدام افتخار از این بالاتر؟ جوان رزمنده‌ی ما رفت مثل کوه در مقابل تجاوز دشمن ایستاد. چه افتخاری با این افتخار برابری میکند؟ شما دختر همین جوانی، پسر همین جوانی، همسر همین جوان بودی، پدر مادر همین جوان هستی؛ افتخار کن. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

شهادت تلاشی از همه سو سود، بدون زیان

مسئله‌ی شهادت و مسئله‌ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه‌ای که به زندگی انسان معنا می‌دهد؛ جهت حرکت انسان رامعین می‌کند؛ چشم انداز

آینده‌ی زندگی را به عنوان یک ملت، چشم انداز روشن و تابناکی می‌کند و چشم انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می‌دهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی‌گیرد. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

خون و شخصیت شهید ضایع نشدنی و رخت نبستنی

اینکه خداوند متعال در قرآن شهید را زنده معرفی میکند و در عرف اسلامی و اصطلاح متشرعه به کشته‌ی راه خدا - شهید یعنی شاهد، ناظر و حاضر - این به این معناست که خون شهید ضایع نخواهد شد؛ شخصیت شهید که تبلور همان آرمانهای او و آرزوهای اوست، از میان مردم رخت بر نخواهد بست؛ این خاصیت شهادت است. آن کسانی که این حقیقت را از بن دندان درک کرده‌اند و تصدیق کرده‌اند، برای آنها کشته شدن در راه خدا به هیچ وجه ضایعه به حساب نمی‌آید؛ بلکه یک افتخار است، یک اقبال بزرگ است؛ آن را میخواهند، آن را از خدا میطلبند؛ آن را مثل یک حاجت بزرگ، در ذکر و مناجات خودشان با خدا مطرح میکنند. (۱۳۸۹/۰۴/۰۷)

نقش ایمان و ارزش های الهی در شهادت

عشق به ارزشها؛ عشق به آرمانهای الهی و اسلامی؛ همان چیزی که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین میکند؛ نه این که آسان میکند، شیرین میکند چه چیزی یک رزمنده، یک جوان و یک انسان را در میدانهای گوناگون، این گونه به روشن بینی میرساند؟ ایمان آگاهانه. عزیزان من! این ایمان آگاهانه در رزمندگان، موجب این میشد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این میشد که لحظه‌ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی میتواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زورگوییهای قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟ (۱۳۷۸/۰۳/۰۳)

شهدا اوج ایثار و گذشت هستند

قدرت بر گذشت یک چیز عظیمی است که همه کس این قدرت را ندارند و بعضی هم کمی از آن را دارند. این کسانی که قدرت در آنها به حدی میرسد که جان خودشان را حاضرند در راه خدا قربانی کنند، یعنی شهداء، اینها پرواز میکنند.

یک جوان شانزده هفده ساله‌ی مجاهد فی سبیل‌الله در آن سال‌های استثنائی جنگ واقعاً یک برقی بود که در تاریخ زد و تمام شد و آن آثار عظیمی داشت. یک جوان می‌نشست یک وصیت می‌نوشت که وقتی من این وصیت‌نامه‌ها را میدیدم مثل اینکه یک عارف بزرگ آنرا نوشته، گاهی که ما این کتابها و این نوشته‌های بزرگ عرفا را نگاه میکردیم رنگ و بوی سخن این شهداء رنگ و بوی سخن آن عرفای واصل را داشت، در حالی که من یقین دارم اینها اسم آن کتابها را هم نشنیده‌اند و آن مطالب را از زبان هیچکس نشنیدند، بلکه جوشش درون خود اوست و شکوفایی آن گل وجود بنی‌آدم و آن حقیقت انسانیت است که با ایثار تحقق پیدا میکند. من وقتی به این خاطرات نگاه میکردم، میدیدم از روزی که مثلاً از تهران رفته و شروع به نوشتن خاطرات کرده، اول یک آدم عادی است، منتها احساسات او را کشیده به طرف جبهه و از خاطره‌اش میشود فهمید ۱۰، ۲۰ روز به شب عملیات مانده ناگهان عوض شده و اصلاً در لحن کلام، و نوشتن یک نوری و یک تپشی وجود دارد که این همان ایثار است. یعنی خودش را آماده کرده و دارد میرود جلو و میدرخشد. (۱۳۷۰/۰۸/۰۱)

فصل دوم:

ارزش و اهمیت و عظمت شهادت و شهدا

استثنائی بودن مسئله شهید در میان دیگر حوادث انقلاب

اگر چه در حوادث انقلاب، شگفتیهایی بی‌نظیر کم نیست و از آغاز نهضت بزرگ ملت ایران - که به انقلاب اسلامی منتهی شد - تا پیروزی انقلاب و از پیروزی انقلاب تا امروز، در طول دوران مبارزه و انقلاب، حوادث شگفت‌انگیز و بی‌نظیر یکی پس از دیگری چشم و دل را به خود متوجه می‌کند؛ اما در میان این حوادث شگفت‌انگیز، مسئله‌ی شهید یک ویژگی استثنائی دارد.

(۱۳۷۸/۰۲/۱۳)

بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله

حالا چرا شهادت این قدر با عظمت و با اهمّیت است؟ علّت این است که این انسانی که جان خود را در راه خدا می‌دهد، در حقیقت در یک لحظه‌ی نیاز، در آن وقتی که دین خدا و راه خدا احتیاج دارد به کسانی که آن را رونق بدهند، آن تلاش لازم را انجام داده. کسی که در راه خدا تلاش می‌کند، برای خدا از راحتی، از زن و بچه، از آسایش معمولی، از امتیازات مادی صرف‌نظر می‌کند و خود را در یک سنگری از سنگرهای مبارزه قرار می‌دهد، این گذشت او، این عظمت مجاهدت او است که پاداش الهی را که همان شهادت است برای او به دنبال دارد. لذا مکرّر عرض کرده‌ایم که شهادت در حقیقت پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است و بالاترین مزد است. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

شهادت بالاترین اجر در مبارزه راه خدا

بهترین مردنها، شهادت است. بالاترین اجرا برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی با عظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیاییت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواح‌نفاذ)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

برجستگان زمان

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلا شک در همه‌ی ادوار تاریخ این کشور - تا آن جا که ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم - سابقه‌ی ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه‌ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه‌ی اوج این حادثه‌ی استثنایی و بی

نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما - یعنی همین شهیدان عزیز ما - سر زد. این جوانانی که این طور با شور و شوق، بدون این که به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنایی بکنند، به جبهه‌ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچیک از دوره‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. عده کثیری از این عزیزان هم همین حرکت و همین شجاعت را بخرج دادند و به صورت جانباز درآمدند؛ عده‌یی هم به اسارت افتادند و در دوران اسارت هم از خود عظمت نشان دادند؛ عده‌یی هم - که بحمدالله کم نیستند - همچنان در میان مردم هستند و برای دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب میشوند. این مجموعه‌ی جوان - چه آنهایی که شهید شدند، چه آنهایی که جانباز شدند، چه آنهایی که اسیر شدند، چه آنهایی که هنوز مفقودالاثردند و از حال آنها کسی مطلع نیست - جزو معجزات انقلاب در زمان ماست. چه کسی میتواند این دل‌های پاک و مطهر را این طور یکپارچه متوجه به خدا بکند؟ این معجزه‌ی اسلام انقلابی و اسلام پُرتپش بود؛ ناشی از اخلاص آن مرد خدا، آن بنده‌ی صالح و آن رهبر واقعی و حقیقی بود که در خط رهبری پیامبران حرکت میکرد؛ راه و نفس و عمل او این حادثه‌ی عظیم را آفرید.

(۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

شهادت هدیه الهی

این شهادت‌ها آسان به دست نیامد. شهادت، نعمت و هدیه‌ی خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمیدهند. چرا هدیه‌ی خداست؟ چون مرگ ناگزیر همگانی همه‌ی انسان‌ها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیز در دنیا و آخرت تبدیل میکند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق میکند که پشت سر خودش ۹۰ سال را گذرانده باشد یا ۲۰ سال؟ آیا بزرگترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بیخبر است و نمیداند چه بر سر او خواهد آمد؟ اینها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانیاور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پُرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدار در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزت پیش خدا و پیش کرویایان ملاً اعلی، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ هیچ خوف و اندوهی برای آنها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ این که آدم روغن ریخته‌ی جان خودش را نذر امامزاده کند و قبول

شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ»؛ این، وعده‌ی الهی است. این جان رفتنی را - که انسان بناچار باید از دست بدهد - خدا از شما می‌خرد و در مقابلش به شما بهشت می‌دهد. این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ»؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت یک هدیه‌ی الهی است.

(۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

شهادت مرگ تاجران

شهادت، مرگ تاجران و مرگ آدم‌های زرنگ است. این هدیه را خدا به چه کسی می‌دهد؟ خدا این هدیه را ارزان نمی‌دهد؛ به کسانی می‌دهد که در راه او مجاهدت کنند. جوان‌های شما، شهیدان شما، همسران شهدا! همسران شما؛ پدر و مادرها! فرزندان شماها؛ بچه‌های شهدا! پدران عزیز شما، این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد. (۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

ارزش والای شهادت در پیشگاه الهی

به پدیده شهادت، از چند طرف میتوان نگاه کرد. از هر طرف هم که نگاه کنیم، این پدیده، بسیار باشکوه و پر از تالو است. یک بار از طرف ارزش شهادت در پیشگاه پروردگار، به این پدیده مینگریم؛ زبان ما قاصر است که بتوانیم در این باب، ارزش والای شهادت را بیان کنیم. در روایتی است که وقتی هر خیر و هر ارزشی ملاحظه میشود، ارزش والاتری از آن هست، تا به ارزش «شهادت» میرسد؛ بالاتر از ارزش «شهادت» چیزی نیست. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

نسبت فلسفه‌ی شهادت با مبانی دینی و فلسفه دین

اگر قرار باشد با مبانی دینی و فلسفه دین، راجع به این قضیه صحبت کنیم، خواهیم دید دقیقاً همین‌طور است؛ هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان بزرگ و والای الهی کند. معنای شهادت، این است. لذا شهادت در پیشگاه پروردگار، تعبیر ویژه‌ای دارد. در قرآن، کشته شدن در راه خدا یک مرگ نیست:

«افان مات او قتل». کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی‌آورد. در معیار الهی و با دیدگاه دینی و قرآنی، یک مفهوم دیگر و یک معنای فاخری است. از این‌رو کسی که این عطیه الهی شامل حال او می‌گردد و در راه خدا شهید می‌شود، این خود سپاسگزاری خداست. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

بزرگترین لطف خدای متعال به شهید

خدای متعال، بزرگترین لطف را در حق شهید کرده است. ملاحظه کنید! هیچ کس در دنیا باقی ماندنی نیست؛ همه رفتنیاند. انسانها به انواع و اقسام مرگها می‌میرند؛ جوان و پیر هم ندارد - انسانها در جوانی هم می‌میرند، در پیری هم می‌میرند، در کودکی هم می‌میرند؛ مردن برای همه است - خدای متعال، این مرگی را که سرنوشت حتمی همه است و انسان، ناچار باید از این دروازه عبور کند، در مورد شهید به گونه‌ای قرار داده که این قدر ارزش پیدا کرده است! در حالی که مرگهای معمولی، این ارزش را ندارد. لطفی از این بالاتر؟! فضلی بر شهید از این بیشتر؟! همه ما می‌میریم؛ چقدر ارزش دارد که خدای متعال این مرگ را، این رفتن را، این سرنوشت حتمی را در مسیری قرار دهد که این قدر دارای فضیلت باشد! لذا شهید در عالم ملکوت و برزخ، شکرگزار پروردگار است؛ متشکر است از این که چنین لطفی به او شده است. لحظه شهادت، جزو شیرینترین لحظات هر شهیدی است. ببینید چه قدر باارزش و والاست! (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

شهید بزرگترین شاکر شهادت

پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی می‌زنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است.» کسی که در راه خدا به شهادت می‌رسد، بزرگترین شاکر خدا برای این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای متعال به او داده است. (۱۳۷۸/۰۳/۰۳)

تفاوت ارزش شهادت در زمان های گوناگون

زمان ما ارزش شهادت و فداکاری در راه خدا از بسیاری از زمانهای تاریخ اسلام بیشتر است. شهادت همیشه باارزش است و فداکاری در راه خدا همیشه یک کار عظیم و ارجمندی است؛ اما همین کار خوب و بزرگ، در بعضی از شرایط و در بعضی از زمانها بزرگ‌تر و مهم‌تر و باارزش‌تر است.

مثلاً در صدر اسلام، فداکاری واقعاً ارزش مضاعف داشت؛ علت هم این بود که در آن دوران، اسلام مثل نهالی بود و اگر فداکاری‌ها نمی‌بود، دشمنان اسلام شاید این نهال را می‌کندند. در زمان سیدالشهدا (علیه الصّلاة و السّلام) آن فداکاری و آن شهادت بزرگ، ارزش مضاعف داشت؛ چون حقیقتاً محصول زحمات پیغمبر، در آن روزها داشت از بین میرفت و فداکاری حسین بن علی (علیه السّلام) و یاران آن بزرگوار مانع شد.... فرض بفرمایید یک ظرف آب گوارا با ارزش است، اما در یک تابستان گرم، آن هم برای یک انسانی که مدتی تشنگی کشیده است - بخصوص اگر آن انسان، بیمار باشد؛ بخصوص اگر در جایی باشد که آب در آنجا کم است - چند برابر ارزش پیدا میکند. همه جا قیمتها یکسان نیست؛ [بلکه] شرایط متفاوت است. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

ارزش مضاعف مجاهدت و فداکاری در زمان ما

در زمان ما به دلیلی مجاهدت و فداکاری ارزش مضاعف دارد. ... علت این است که امروز دشمنان اسلام از همیشگی تاریخ مجهّزترند. تجهیزاتی که امروز در اختیار دشمنان اسلام است، هیچوقت در طول تاریخ در اختیار آنها قرار نداشته است. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

تقدیم عزیزترین سرمایه در راه خدا

استاد دانشگاه میرود شهید میشود، هنرمند میرود شهید میشود، دانشجو میرود شهید میشود. بسیاری از این نام‌آوران عرصه‌ی دفاع مقدّس ما - که نامهایشان زینت‌بخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهایشان زینت‌بخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلّمانی بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

مظهر عقلانیت دینی، مدافع حقانیت و عدالت

شهادی ما مظهر عقلانیت دینی و مدافع حقانیت و عدالت بودند. (۱۳۸۰/۰۸/۲۰)

برای شهدا قادر به تعیین درجه نیستیم

برای شهدای عزیزمان، قادر به تعیین درجه نخواهیم بود، که فرمود: «فوق کُلِّ بَرٍّ بَرٍّ حَتَّى يَقتُلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»: هر خوبی، یک خوبی برتر دارد، تا به کشته شدن در راه خدا برسد؛ «فاذا قتل في سبيل عزوجل فليس فوقه بَرٌّ» بالاتر از آن، دیگر هیچ نیکی و خوبی‌یی متصور نیست و وجود ندارد. نهایت، برای این که در مجموعه‌ی نیروهای مسلح، جای هر کسی باید معین باشد، ما برای شهدای عزیز هم به طور معمول، درجه در نظر می‌گیریم و کسانی که به شهادت می‌رسند، معمولاً یک درجه بالاتر به آنها داده می‌شود. این، به معنای ارزشگذاری شهادت نیست؛ این هم یک نوع احترام به شهید است. (۱۳۶۹/۱۱/۲۹)

شهادت عامل ماندگاری و پایداری ارزش‌ها

باور عمیق قلبی این بنده‌ی حقیر این است که ما امروز همه‌مان بر سر سفره‌ی شهدا نشستیم. بقای این انقلاب به خاطر خون شهیدان است؛ و این یکی از همین نکاتی است که این عزیزانی که اینجا صحبت کردند و شعر خواندند، بر آن تکیه کردند. بله، درست است؛ شهادت است که پای ماندگاری و پایداری و بقاء ارزش‌ها را امضاء میکند. بزرگترین اجری که در این دنیا به شهید داده میشود، بقاء و استحکام آن حقیقتی است که شهید جان خود را برای آن حقیقت فدا کرده است. خدای متعال آن حقیقت را به برکت خون شهید حفظ میکند. سازوکار منطقی و عقلانی این هم معلوم است؛ وقتی یک جامعه‌ای از جان خود، از هستی خود، از راحتی خود، برای یک ارزشی، یک حقیقتی می‌گذرد، حقانیت خود را در دنیا به اثبات میرساند؛ و حقانیت است که میماند، حق است که باقی میماند؛ این سنت الهی است. (۱۳۹۱/۰۷/۲۲)

قائل بودن ارزش الهی برای شهدا

مسئله‌ی شهدا را باید خیلی جدی گرفت. ما برای شهدا همان ارزشهایی را باید قائل باشیم که خدای متعال برای اینها قائل است که [فرمود]: يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ؛ این کسانی که در راه خدا مجاهدت میکنند و جان خودشان را در کف دست میگیرند، هم دشمن کشتنشان، هم کشته شدنشان ارزش دارد؛ پیش خدای متعال وعده‌ی الهی بر رحمت به اینها است. حالا آن که جانش را در این راه از دست میدهد، در روایات داریم که هنوز از این نَشئه خارج نشده، علائم رحمت الهی را مشاهده میکند؛

یعنی در روایات دارد بمجرّد اینکه شهید از اسب می‌افتد - آن وقت با اسب می‌جنگیدند - هنوز به زمین نرسیده، وعده‌ی الهی را دریافت میکند؛ یعنی حتّی در این نشئه چشمش باز میشود و حقیقت را می‌بیند و رحمت الهی را، فضل الهی را به‌طور ملموس درک میکند و دریافت میکند؛ این ارزش شهدا است. (۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

ستارگان درخشانی که میتوانند عالمی را روشن کنند.

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت‌آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده‌ایم و گذشتها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده‌ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی میماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتابند، مخفی میماند. در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه‌های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی میشد و شرح حال او بیان میکردید، تغییر واضح و شگفت‌آوری در دلها و جانها و حتی در همها و نیتهای به وجود می‌آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، میتوانند عالمی را روشن کنند. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد.

حقیقتاً افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد و بداند که خدای متعال را با این کار خشنود کرده است؛ «صبرا و احتساباً»، پای خدا حساب کند. بداند که این عزیزی که در راه خدا داد، یک سنگری بود که در مقابل هجوم دشمنان به عزّت و به استقلال این ملت، برافراشته شد. هر کدام از شهدای شما یک سنگرند؛ این افتخار دارد؛ جانبازان هم همین‌جورند. جانبازان هم شهدای زنده‌اند؛ (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

هر آنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است.

هر آنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد - که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذاب، یک جوانی برخیزد، قیام للّه کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند - این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدانهای نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدانها، شجاعتها و شهامت‌هایی که هر سطری از آن میتواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجابهای مادی و دیدن چهره‌ی

معشوق و محبوب - که در حرکات شهدا، در حرفهای شهدا و در روزهای نزدیک به شهادت، همیشه جلوه گر بود و نقلهای فراوانی در این زمینه هست - این هم یکی از شگفتیه‌هاست.

(۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

شگفتی بزرگ: شهدا ره صد ساله را یک شبه پیمودند

در میان همین شهدای عزیز شما شیرازیها و فارسیها، در یک وصیت‌نامه‌ای خواندم که شهید میگوید: من بیقرارم، بیقرارم! آتشی در دل من است که مرا بیتاب کرده است؛ به هیچ چیز دیگر آرامش پیدا نمیکنم مگر به لقاء تو؛ ای خدای محبوب عزیز! این سخن یک جوان است! این همان چیزی است که یک سالک و یک عارف، بعد از سالها مجاهدت و سالها ریاضت ممکن است به آن جا برسد؛ اما یک جوان نوحاسته، در میدان نبرد و در میدان جهاد آن چنان مشمول تفضل الهی قرار میگیرد که این ره صد ساله را یک‌شبه میپیماید و این احساس بیقراری و شوق، از سوی پروردگار پاسخ مناسب مییابد. خود این شوق هم لطف خدا و جاذبه‌ی حضرت حق متعال است. این شگفتی بزرگی است. و بعد خون شهید است (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

شهدا عوض کنندگان مسیر تاریخ

فرزندان شهدا! به پدران خود افتخار کنید. اینها کسانی بودند که مسیر تاریخ را عوض کردند؛ اینها کسانی بودند که قوی پنجه‌ترین و وحشیت‌ترین مستکبران دنیا را به زانو درآوردند؛ ملت خود را سرافراز کردند و دین خدا را به پا داشتند. (۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

شهدا از همه‌ی خواسته‌های شخصی خود دل بردیدند.

شهدای عزیز ما و ایثارگران ما کسانی هستند که از همه‌ی خواسته‌های شخصی خود دل بردیدند. این به زبان آسان است. فقط دل بردن از پول و مال و سرمایه نیست؛ دل بردن از عواطف است. شهید از مهر مادر، از سایه‌ی پدر، از لبخند کودک، از عشق همسر دل میبرد و به سوی انجام وظیفه حرکت میکند. این جانبازان هم شهیدند. ایثارگران در هر جمعی از جمعهای ایثارگران که هستند، در واقع قدم در وادی شهادت گذاشتند. خدای متعال عده‌ای را انتخاب کرد، رفتند، عده‌ای هم ماندند برای امتحانهای بعدی؛ لیکن رتبه‌ی شهید و رتبه‌ی شهادت برای ایثارگران وجود دارد. (۱۳۹۱/۰۷/۲۲)

شهدای زمان ما در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند.

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل‌القدر را در میزان ارزشهای اسلامی بسنجیم، بدون شک در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار میشنیدند و لمس میکردند؛ اما شهدای زمان ما، بدون این که امام معصوم و نبی مکرم را مشاهده بکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) و به اشاره‌ی آن نایب برحق معصومین (علیهم السلام)، در جبهه‌های خطر حضور پیدا کردند و نقش یک مجاهد فی سبیل الله را به بهترین وجهی ایفا نمودند. اگر شهدای عزیز ما نمیبودند و فداکاری آنها نمیبود، امروز این عزت و این عظمت برای اسلام نمیبود. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

ملت نمیتواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد.

پدران و مادران، درست نمیتوانند عظمت این مجاهد فی سبیل الله را درک کنند؛ بلکه ملت نمیتواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد. بنده عرض میکنم که ما هنوز قادر نیستیم عظمت کار این شهدای عزیز را درست تشخیص بدهیم. آیا میدانید که این شهدای بزرگوار ما - همین جوانان فداکار ما، همین بسیجی مؤمن پُرشور عاشق‌وش ما، یا ارتشی و سپاهی ما - چه عظمتی در دنیا و در تاریخ آفریده‌اند؟ (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

شهدای دانشجو ارزش عمل شهادت را دو برابر میکند

هنگامی که بنام دانشجوی شهید می‌رسیم، این یقین در ما پدید می‌آید که پذیرش شهادت و اقدام به جهادی که بدان منتهی شده، از سر خود آگاهی و با اراده‌ی روشن بینانه بوده است، و این ارزش عمل را مضاعف می‌کند و بدین دلیل است که دانشجویان شهید که در شمار سرآمدان ایمان و ایثار آگاهانه بوده‌اند ستارگان همیشه درخشانی هستند که هر جویای حقیقت می‌تواند راه خویش را با آنان بیابد. (۱۳۸۱/۰۸/۱۵)

زمان‌شناسی و عمل به‌هنگام رزمندگان و شهدا در دفاع مقدس

در مسئله‌ی ایثار، عظمتی نهفته است که هیچ جامعه‌ای بدون دارا بودن یک چنین نقطه‌ی مهم و تعیین‌کننده‌ای نخواهد توانست به عزت و عظمت دست پیدا کند. ما در قضیه‌ی شهادت شهیدان و مجاهدت ایثارگران و جانبازان معمولاً جوانب محدودی را می‌بینیم و مشاهده میکنیم؛ در حالی

که خود عمل و حرکت ایثار در جامعه که منجر به شهادت یا جانبازی میشود، معانی متعددی دارد؛ جهات مختلفی دارد که هر کدام از اینها درخور بررسی است. یکی از این جهات، فرصت‌شناسی و پاسخگوئی به نیاز لحظه‌هاست. ممکن است احساس مسئولیت در کسانی باشد، اما در لحظه‌ی نیاز، این مسئولیت را نه تشخیص بدهند و نه عمل کنند؛ این خیلی تفاوت دارد با آن حرکت و اقدامی که درست در لحظه‌ی نیاز اتفاق میافتد و انجام میگیرد. جوانان شجاع و باغیرت و مؤمن و فداکاری که نیاز کشور را احساس کردند و به سراغ خطر رفتند و به استقبال خطر شتافتند، اینها این امتیاز برجسته را دارند که نیاز را در زمان خود فهمیدند و به آن پاسخ گفتند. این یک بعد بسیار مهمی است، این برای ما درس است... این زود فهمیدن، بوقت فهمیدن، بهنگام عمل کردن و پاسخ به نیاز دادن، آن نقطه‌ی برجسته‌ای است که نباید مغفول بماند. (۱۳۹۰/۰۷/۲۱)

بعد از شهدای کربلا، شهدای دفاع مقدس نظیر ندارند.

این را هم بدانید که شهدای ما و ایثارگران ما در دوران دفاع مقدس و قبل از آن و بعد از آن تا امروز و همچنین خانواده‌هایشان، در طول تاریخ اسلام، بعد از شهدای کربلا، نظیر ندارند؛ اینها حقیقتاً برجستگیهای خودشان را نشان دادند و همه‌ی چیزهایی را که برای ما مثل افسانه به حساب می‌آمد - باور میکردیم، اما شبیه افسانه بود - اینها تحقق بخشیدند و به آن واقعیت دادند. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

مظهر و نماد فضائل انسانی

شهدای ما مظهر فضائل انسانی بودند. من روزها و شبهای زیادی را با جوانها در دوران جنگ به سر برده‌ام و از نزدیک شخصیت، هویت و عظمت روحی جوانانی را که بعدها چهره‌های ماندگار شهید شدند، لمس کرده‌ام؛ اینها حقیقتاً نمادهای فضیلت بودند. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

فصل سوم:

ارزش و ویژگی های شهدای مدافع حرم

مقام والای شهدای مدافع حرم

شهدای مدافع حرم که در این دوران با این همه تبلیغات مخالف و معاند و جورواجور، دلشان پَر میکشد به سمت منطقه‌ی جهاد و شهادت، مقامشان خیلی بالا است. فرق است بین آن وقتی که رادیو و تلویزیون و مردم همه دارند شعار میدهند و یک عده هم به جبهه میروند و به شهادت میرسند. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)

شهدای مدافع حرم افتخار دنیای اسلام و دنیای تشیّعند

جوانهای شما که برای انجام وظیفه، برای دفاع از حرم اهل بیت، جان خودشان را کف دست گرفتند و آماده‌ی فداکاری شدند و به شهادت رسیدند، نه فقط افتخار خانواده‌های خودشان بلکه افتخار دنیای اسلام و دنیای تشیّعند. هر مکتبی که بتواند انسانهایی را تربیت کند که در هنگام احساس نیاز و احساس ضرورت، حاضر باشند جانشان را در راه خدا، در راه هدف فدا کنند، آن مکتب، مکتب موفق‌تری است. این جوانها و این شهدا با فداکاری خود نشان دادند و اثبات کردند که مکتبشان یعنی اسلام و تشیّع یک مکتب انسان‌ساز و با عظمت و موفق است و پیش خواهد رفت؛ حقّ اینها این قدر بزرگ و عظیم است. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)

مدافعان حرم برای رفتن دفاع از حریم اهل بیت به ما التماس میکنند.

به شهدای حرم -شهدای دفاع از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام)- به‌طور ویژه افتخار میکنیم. علت هم این است که در زمان دفاع مقدّس، امام (رضوان‌الله‌علیه) و همه‌ی ماها دائماً جوانها را تشویق میکردیم که برای دفاع مقدّس بروند. خب جوانها هم میرفتند و در راه خدا جانشان را کف دستشان میگرفتند و شهید میشدند، پدر مادرها هم با سخاوت و ایثار این هدایا را در راه خدا میدادند. امروز آن کسانی که برای دفاع از حریم [اهل بیت] میروند، به ما التماس میکنند. ما میگوییم نروید، ما اجازه نمیدهیم امّا آنها التماس میکنند. در نامه‌هایی که این جوانها از سرتاسر کشور به من مینویسند، التماس میکنند؛ این خیلی اهمّیت دارد، این واقعاً حادثه‌ی عجیب و بی‌نظیری است. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)

امتیازهای شهدای مدافع

شهدای شما که در حقیقت در دفاع از مرزهای عقیدتی و مرزهای حسّاس، به شهادت رسیده‌اند، چند امتیاز دارند:

یک امتیاز این است که اینها داوطلبانه به استقبال شهادت رفتند؛ یک وقت انسان در خانه‌ی خودش نشسته، دشمن به او حمله میکند، موشک میخورد، شهید میشود؛ او هم شهید است اما فرق میکند با کسی که از خانه بیرون می‌آید «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ» (۱) و هجرت میکند؛ این یک هجرت باارزش است؛ از خانه‌ی خودشان، از راحت خودشان، از میان زن و فرزند و پدر و مادر، خودشان را بیرون میکشند و به سراغ جهاد فی سبیل الله میروند. این یک امتیاز بزرگ است. البته در جنگ تحمیلی هم از این قبیل زیاد داشتیم، لکن این معنا در مورد شهدای عزیزی که یا در عراق یا در سوریه در دفاع از حریمهای مطهر ائمه به شهادت رسیدند عمومیت دارد و همه‌شان از این قبیل اند.

[یک] امتیاز هم این است که اینها در غربت به شهادت رسیدند؛ این هم امتیاز بزرگی است، این هم پیش خدای متعال فراموش نمیشود و نادیده گرفته نمیشود. خدای متعال جزئیات کارها را حساب میکند ... دستگاه خدای متعال دستگاه عجیبی است، دستگاه محاسبات دقیق است، آنجا مو را از ماست میکشند، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»؛ به قدر سنگینی یک ذره کار خوب فراموش نمیشود، پیش خدای متعال محفوظ است. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)

این شهدا امتیازاتی دارند؛ یکی این است که اینها از حریم اهل بیت در عراق و سوریه دفاع کردند و در این راه به شهادت رسیدند...

امتیاز دوم این شهدای شما این است که اینها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمیکردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور... اگر جلوی گرفته نمیشد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه‌ی استانها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی فدا کردند.

امتیاز سوم هم این است که اینها در غربت به شهادت رسیدند. این هم یک امتیاز بزرگی است. این هم پیش خدای متعال فراموش نمیشود. (۱۳۹۴/۱۱/۰۵)

از دو جهت شهدای مدافع حرم عزیزند.

از دو جهت میشود گفت شهدای عزیز شما پیروز شدند؛ یکی از جهت خدایی و معنوی. چون از گذرگاه زندگی و مرگ، چه کسی است که عبور نکند؟ همه عبور میکنیم دیگر. منتها وقتی که میرویم آن طرف، سرنوشت خودمان را نمیدانیم. این شهدا وقتی میخواهند بروند آن طرف، سرنوشت خودشان را میدانند. میدانند دارند به بهشت، به رضوان الهی، به نعیم الهی میروند. در

وصیت‌نامه‌ی یکی از همین شهدای امروز که خانواده‌شان اینجا تشریف دارند خواندم که نوشته "ما خوشحال رفتیم". خوشا به حالشان! خوشحال رفتند. این یک پیروزی؛ پیروزی رسیدن به رضای الهی، رسیدن به بهشت رحمت الهی.

پیروزی دوم پیروزی دنیایی است. شما امروز به هرکدام از این مراکز و مناطق خبری و سیاسی دنیا که گوش بدهید، همه میگویند که مجاهدین ایرانی در سوریه پیروز شدند. آمریکا برای این منطقه نقشه داشت. (۱۳۹۴/۱۱/۰۵)

فصل چهارم: ارزش خانواده شهدا

صبر و متانت خانواده شهید

خانواده‌ی شهید، مادر شهید، پدر شهید، همسر و فرزندان شهید، برادران و خواهران و نزدیکان و دوستان شهید - که اگر این جوان با مرگ معمولی از دنیا رفته بود، اینها گریبان پاره میکردند و صبر نمیکردند - در مقابل خون این شهید، آن‌چنان صبر و متانت و آرامش و استقامتی نشان میدادند که انسان متحیر می‌ماند (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

لزوم حق‌گذاری ایران و ایرانی نسبت به شهدا و ایثارگران

شهدا پیشرو و پیشگام بودند و سنگر دوم، خانواده‌های شهیدان و دیگر ایثارگران. رفتند جلو، مانعها را از سر راه برداشتند و توانستند یک ملتی را که چند قرن او را به بی‌حالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به این ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده‌ی مستحکم و راسخ. این کار را شهدای ما کردند؛ این کار را رزمندگان ما کردند؛ این کار را جانبازان ما کردند؛ این کار را استقامت‌آزادگان ما در زندانهای دشمن کرد؛ این کار را شما خانواده‌های شهدا کردید. حق شما بر گردن ایران و ایرانی تا ابد باقی است و تاریخ ایران باید نسبت به خانواده‌ی شهدا، حق‌گذاری کند. (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

تأثیر و ارزش رفتار و حرکت خانواده شهیدان و ایثارگران

خانواده‌ی شهیدان و ایثارگران از نظر تأثیر و ارزش رفتار و حرکت، فقط با خود شهدا قابل مقایسه هستند؛ با هیچ قشر دیگری در انقلاب، این مجموعه قابل مقایسه نیستند. ارزش آن مادران و پدران، آن همسران و فرزندان و بازماندگان که حرمت خون شهیدشان را حفظ کردند و خودشان با صبرشان، با گذشتشان مظهر دیگری شدند از فداکاری در پیشبرد اهداف انقلاب، این است که یکی از مؤثرترین و نقش‌آفرین‌ترین عناصر کشورند. نمی‌خواهیم تعارف کنیم یا خوشامد بگوئیم؛ می‌خواهیم حقیقت مطلب آنچنان که هست، روشن شود. (۱۳۸۶/۰۲/۰۲)

خانواده شهدا پشت سر شهدا قرار دارند.

به خانواده‌ی شهدا می‌خواهیم بپردازیم. من عرضم این است که پدران شهدا، مادران شهدا، همسران صبور شهدا، فرزندان شهدا در این افتخارات پشت سر شهدا قرار دارند. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

رقم زدن حوادثی عظیم، توسط خانواده شهدا

همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه میشنویم و چه میبینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را میگفت. خلیه‌ها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد میشنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید. در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمیتوانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگهداشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله‌ی یک نهضت، همچنان زنده میماند. این است که امام بزرگوار، قله‌ی عزت و عظمت را برای اسلام فتح میکند. این است که ملت‌ها صریحاً میگویند: ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلم ما هستید. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

شماها اسلام را زنده کردید.

این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله حفظ کرده‌اید. دنیا تاریک و پُر از ظلم است. ملت‌ها تنه‌ایند و احتیاج به پشتگر می‌دارند. روحیه‌ی شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه‌ی روحیه و پشتگر می‌برای ملت‌هاست. شما زنان مسلمان، برای زنان فلسطین و زنان کشورهای اسلامی، مایه‌ی دلگرمی هستید. صریحاً میگویند که ما از شما - بخصوص از شما جوانان - یاد گرفته‌ایم. این مقاومت را حفظ کنید و این ایستادگی را غنیمت بشمارید. با استقامتتان، با وحدتتان، با حضورتان در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و سازندگی و اداره‌ی کشور، و با پیشبرد کارها و پشت سر مسؤولان قرار گرفتن، آبرویی را که به اسلام داده‌اید، تداوم ببخشید؛ شماها اسلام را زنده کردید. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

احساس امام خمینی نسبت به خانواده‌ها

امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه)، نسبت به شهدا و خانواده‌هاشان بسیار حساس بودند و بسیار دل در گرو فکر آنها داشتند؛ و این یک نمونه از عمل بندگان صالح خداست. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

این سختیهائی است که خانواده‌های رزمندگان تحمل کردند...

برادر یک اسیر مفقودالاثری به من گفت: شما دیدید که خانواده‌هایی که یک جوانی در جبهه دارند، شب عملیات چه حالی دارند؟ راست میگفت دیگر؛ شب عملیات که میشد و همه میفهمیدند امشب عملیات است، آن خانواده‌هایی که یک جوانی در جبهه داشتند، دلشان متلاطم بود. این برادرِ آن مفقودالاثری به من گفت که برای ما هر شب، شب عملیات است؛ هر شب دلمان متلاطم است که او در چه حالی است، در چه وضعی است و امروز چه خواهد شد. این سختیهائی است که خانواده‌ها تحمل کردند؛ لذا اجر آنها هم خیلی والا و بلند است. (۱۳۹۱/۰۵/۲۵)

جانبازان؛ شهدای زنده هستند

جانبازان عزیز هم شهدای زنده‌ی ما هستند؛ چون مثل شهید به میدان جنگ رفته‌اند و مثل شهید ضربت خورده‌اند؛ منتها کرامت الهی آنها را حفظ کرده است. اینها زنده‌اند، اما در رتبه‌ی شهیدان. به این عزیزان هم توصیه میکنم که این کرامت الهی را برای خودشان حفظ کنند؛ «لَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اَجْرَ عَظِيمٍ». باید همیشه آن روحیه‌ی را که آنها را در میدان نبرد به پیش میبرد و به فداکاری وادار میکرد، حفظ کنند. بالاتر از همه‌ی اینها، لطف و فضل الهی است، که امیدواریم همواره شامل حال شما باشد و بماند. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

تربیت فرزندان از مجاهدت‌های همسران شهدا است

همسران شهدا - که جوانان عزیز را تربیت کردند - خیلی باارزشند. من در شرح حال شهدای شیراز، دیدم که تعدادی از فرزندان شهدای شیراز و استان فارس، رتبه‌های علمی بالا و رتبه‌های تحقیقی بالا به دست آورده‌اند. این چه جور به دست می‌آید؟! با مجاهدت آن مادر، آن همسر شهید، آن شیرزن و آن مجاهده‌ی فی‌الله؛ جهاد او این است: «حَسَنُ التَّبَعِلِ»؛ حسن التَّبَعِل یعنی این؛ یعنی آبروی شوهر را حفظ کردن؛ شخصیت شوهر را حفظ کردن؛ این حسن التَّبَعِل است؛ یک نمونه‌اش همین است که شوهر رفت در راه خدا؛ بچه‌هایش و جوجه‌هایش را در آغوش رعایت خودشان و با تربیت خودشان آن چنان بزرگ کنند که اینها احساس افتخار کنند و راه شهید را ادامه بدهند. (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

ایثار ارزشمند همسران جانبازان

یکی از چیزهائی که من همیشه احساس میکنم، احترام به همسران جانبازان است. بعضی از این بانوان عزیز، این جانباز را با همین جانبازیش قبول کردند و پذیرفتند؛ آفرین! بعضیشان جوان رعنائی را که با او ازدواج کردند، ناگهان دیدند به یک ازپافتاده و به یک جانباز تبدیل شد؛ پذیرفتند و استقبال کردند؛ آفرین! همسران جانبازان خیلی بارز شدند. (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

شهادت محصول تلاش دست جمعی یک مجموعه انسان

از یک بُعد دیگر که نگاه میکنیم، باز میبینیم که شهادت یک پدیده فوق‌العاده است؛ چون همه خیرات و کارهای نیکی که انسان میکند - هر انسانی - کار خود اوست؛ ولی شهادت محصولی از تلاش دست جمعی یک مجموعه انسان است که یک نفر شهید میشود.

این جوانی که جبهه رفت و شهید شد، فقط خودش نبود که مجاهدت کرد؛ شما هم که پدر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. شما هم که مادر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. رفتن یک جوان به سمت محلّ خطر - جایی که جان او در خطر است - این فقط مجاهدت او نیست؛ پدر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، همسر او هم مجاهدت میکند، فرزندان او هم مجاهدت میکنند، هر کسی هم که به او علاقه دارد، مجاهدت میکند. و شگفتا که این مجاهدتها تمام هم نمیشود! خود او به جبهه میرود، مدّتی ایستادگی میکند، صبر میکند، جهاد میکند و به شهادت میرسد. مجاهدت او تمام شد؛ اما مجاهدت این مادر، ادامه دارد. مجاهدت این پدر، ادامه دارد. صبر اینها مجاهدت اینهاست. مجاهدت این فرزندان، ادامه دارد؛ مجاهدت آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که صبر میکنند، اینها که شکایت نمیکند، اینها که این را پای خدا محاسبه میکنند، اینها که این خون را مایه افتخار خودشان میدانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه مجاهدت را در بین بقیه مردم ادامه میدهند، اینها که مایه تشویق دیگران به جهاد میشوند، اینها که با بیانات حکایت‌کننده از استواری آنها مایه آبروی یک ملت میشوند، اینها که موجب میشوند ملت و کشور در عرصه افکار عالم، به صورت یک الگو درآید - که ملت ایران در آمده است - اینها مجاهدت میکنند. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

روحیه‌ی شجاع و قوی مادران

من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آن‌ها را حتّی از پدران شهدا هم قوی‌تر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه‌ی این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

ارتباط با خانواده شهدا، مغتنم حقیقی و قلبی امام خامنه‌ای

برای من ارتباط با خانواده‌ی شهدا و جانبازان و آزادگان، مغتنم حقیقی و قلبی است. اگر میتوانستم با یکایک جمعی که در این جا حضور دارید، در خانه‌های شما ملاقات کنم، شک نداشته باشید که این کار را می‌کردم؛ اما چون آن ممکن نیست، ناگزیر در چنین اجتماعی شما را زیارت کردیم و خدا را شاکریم. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

همه ملت باید سپاسگزار خانواده شهدا باشند

شما جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته‌ی گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه‌ی ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرمی بدارند. فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسلهای بعدی بسپارند. ملت ایران به شهیدان خود افتخار میکند. ما به ارادت و اخلاص به خانواده‌های شهیدان افتخار میکنیم و معتقدیم شهدا در خط مقدم حرکت کردند؛ پشت سر آنها بلافاصله پدران و مادران و همسرانند؛ ایستادگی کردند، ایثار کردند. امروز به برکت این ایثار، حرکت عظیم انقلابی ملت ما برقرار است و ان شاء الله روزبه‌روز مستحکمتر و باثبات‌تر خواهد بود. (۱۳۹۱/۰۷/۲۲)

فصل پنجم:

ثمرات و برکات شهدا و خانواده هایشان

بخش اول: احیای اسلام

عزت امروز اسلام و مسلمین

عزت امروز اسلام و مسلمین ثمره خون شهدا است. (۱۳۷۴/۰۹/۱۴)

رعب دستگاههای کفر و استکبار

امروز دستگاههای کفر و استکبار جهانی، در مقابل مسلمین احساس رعب میکنند. چرا؟ چون مسلمانان دیگر احساس حقارت ندارند. مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمیکشند؛ بلکه به آن افتخار میکنند؛ اینها را انقلاب کرد. در این حرکت عظیم، نقش همین بچه‌های شما، همین شهیدان شما، همین به‌خون‌غلتیدگان جبهه‌های نبرد و سایر جبهه‌ها، نقش اول است. ما امروز هنوز قادر نیستیم عظمت این کار را درک بکنیم؛ تاریخ درباره‌ی اینها قضاوت خواهد کرد. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

اهتزاز پرچم اسلام

امروز شما وقتی به صحنه‌ی عالم نگاه میکنید، میبینید که پرچم اسلام در اهتزاز است؛ اسلام عزیز است؛ ملت‌های مسلمان برای حکومت اسلامی مجاهدت و تلاش میکنند؛ دل‌های مسلمین پُر از امید است؛ آینده برای مسلمانان روشن است و ملتها در مقابل قدرتهای جهنمی عالم، دچار ترس و رعب نمیشوند. آن احساس ذلت و زبونیی که ملت‌های ضعیف در طول دهها سال گذشته - بلکه قرن‌های گذشته - دچار آن بودند، امروز از آن احساس ضعف و ذلت خبری نیست؛ ملتها شجاع و قوی و اهل اقدام و عمل شده‌اند.

اگر کسی باانصاف باشد و بخواهد این پدیده‌ی عظیم عالم را تحلیل بکند، به این نتیجه میرسد که همه‌ی این برکات، از برکت خون همین جوانان و فرزندان شماست؛ از برکت همین رزمندگانی است که در مدت سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، در جبهه‌های مختلف حضور پیدا کردند؛ جان خود را مورد توجه قرار ندادند؛ هدف‌های الهی را مورد توجه قرار دادند؛ بعضی به شهادت رسیدند، بعضی مجروح و جانباز شدند و در عین جوانی، از عافیت جسمانی محروم شدند؛ بعضی هم به اسارت دشمن درآمدند و سال‌ها سختی‌های زندان و شکنجه‌ی تسلط دشمن‌انود را تحمل کردند؛ اینها بودند که آن عزت و آن عظمت را برای اسلام به ارمغان آوردند. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

شهدا، دنیای استکبار را وادار به پذیرش جمهوری اسلامی کردند

ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرتهای شیطانی، ناشی از همین شهادتهاست. فرزندان شهدا بدانند که پدران آنها موجب شدند که اسلام، در چشم شیطانها و طاغوتهای عالم، ابهت پیدا کند. روزی بود که به اسلام و جامعه‌ی مسلمین، اصلاً اعتنایی نمیکردند و کمترین محلی نمیگذاشتند و آنان را صاحب فکر نمیدانستند؛ اما امروز دریافته‌اند که اسلام، کاخهای اقتدار شیطانی آنان را در سراسر دنیا لرزانده است. امام بزرگواری که نام و یاد او، دل قدرتهای طاغوتی را آب میکرد و کاخهای آنان را تکان میداد، عظمت خود را از اسلام گرفت. عظمت او، به خاطر این بود که خود را خادم اسلام و مسلمین میدانست و مجاهدت او و ملتش، به اسلام عظمت بخشید.

راه آبرو و عزت برای ملت‌ها

امروز، به فضل همین شهادتها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند. قدرتهای استکباری، برای ملت‌های کشورهای امثال ما - کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف - حق حیات و حق رأی و نظر قایل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قایل نیستند. با قدرتهای شیطانی، از سر ضعف و ذلت نمیشود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمیکنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحد مجاهدت و شهادت، امکانپذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولتهای متکبر را - نه انسانها و ملت‌ها، چون آنها با ما همراهند - وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

ماندگاری اسلام مرهون فداکاری شهدا و صبر خانواده‌های آنها

عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا، که دسته‌های گل پروریده‌ی در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پرپر شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز، که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا، که مصایب مشکل را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمان شما این‌طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمیرفتند و فداکاری

نمیکردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر میبینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر میبینید که ملتهای مسلمان احساس شخصیت و هویت میکنند؛ اگر میبینید که نعره‌ی الله اکبر بچه‌مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخته‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان شما، به‌وسیله‌ی همین خونهای پاک، به‌وسیله‌ی همین گذشتها و ایثارها به‌دست آمد؛ بدون اینها نمیشد. این تحول عظیمی که اسلام انقلابی و لطف الهی در دلها به‌وجود آورد و این‌طور همه را مشتاق به سمت جبهه‌ها کشاند و فداکاریها را به بهترین وجه در مقابل چشم جهانیان قرار داد، اگر اینها نبود، قضیه این‌طور نمیشد. امروز مستکبران عالم از اسلام میترسند؛ چون جوانان شما را دیده‌اند؛ چون جبهه‌های شما را دیده‌اند؛ چون بسیج را دیده‌اند؛ دیده‌اند که این مردم چه‌طور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می‌آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمیهراسند؛ چون پدران و مادران را دیده‌اند؛ دیده‌اند که مادر با آن عاطفه‌ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمیتواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن‌چنان آسان میگذشت که همه را به حیرت در می‌آورد. یک شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید؛ این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن‌چنان تحمل کردند که انسان از حیرت و تعجب، هر چه نگاه میکند، نظیری برای آن پیدا نمیکند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

شهدا در احقاق و درخشش حق به شهادت رسیدند.

شهیدان ما نیز مانند بانوی بزرگوار اسلام در راه حق درخشانی به شهادت رسیدند، که برای کتمان و اخفاء آن، از همه‌ی ابزارها و وسائل زمان، استفاده می‌شد.

سنت لایتغیر الهی نگذاشت، که زهرای مرضیه، در پشت حجاب غلیظ اوهام پنهان بماند، و آن ستاره درخشان خونین، در گذشت زمان به خورشیدی تابان بدل شد. و امروز نام او و یاد مظلومیت او، از همه‌ی حصارهای کتمان، عبور کرده است، و به اعتماد دلها و جانها رسیده است. و این درخشندگی و فزاینده‌ی، ادامه خواهد داشت: انا اعطیناک الکوثر ... نام و یاد شهیدان عزیز ما نیز، همانند سیده‌ی عالمیان، با گذشت زمان نورانی‌تر و نافذتر خواهد شد. (۱۳۷۷/۰۷/۰۲)

(۱۳۹۷/۰۶/۲۱)

بخش دوم: به وجود آمدن انقلاب اسلامی و پیشبرد آن

پشتیوانه حرکت و خدمت برای نظام

این شهادتها پشتیوانه است؛ پشتیوانه‌ی حرکت است. لذا ما در حرکت خودمان، در مسئولیتهای خودمان همیشه بایستی به یاد این فداکاریهای بزرگ باشیم و بدانیم که اگر ما امروز در بخش قضائی کشور یا در قوه‌ی مجریه یا در بخش قانونگذاری یا در سایر دستگاههای کشور توان و فرصت خدمت به نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران را داریم، این به برکت آن شهادتهاست (۱۳۸۷/۰۴/۰۵)

نظام باقی نمی ماند

اگر این شهادتها نبود، اگر این فداکاری‌ها نبود، این نظام باقی نمی ماند؛ این نهال، مورد تهاجم طوفانهای سخت بود. علت اینکه این نظام باقی ماند و این نهال از بین نرفت و بحمدالله به این درخت تناور تبدیل شد، فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها و وارد میدان شدن‌ها بود؛ این را باید نگه داشت. دشمن را باید شناخت، کید دشمن را باید شناخت. (۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

موفقیت های کشور مدیون ایثارگری های مردم

ملتهایی که تلاش کنند، مجاهدت کنند، ایثار کنند و از کار و فداکاری نترسند، خدای متعال به آنها همه چیز خواهد داد.

این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به این جا رسانده است. مگر تصوّر میشد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتیوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرتهای عالم، بتواند این گونه در میدان جهاد مقدّس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزه‌روز دشمنان را متعجّبتر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشته‌ها و این ایثارها و این فداکاریها، ما به این جا برسیم؟ هر کدام از شما که این جا هستید؛ چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندان، چه پدران و مادرانتان، چه همسرانتان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمّل کردند، ایثارگران و پشتیبانی کنندگان، هر کدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی نظیر ملت ایران سهیم هستند. هر کدام از شما اگر این فداکاریای را که

کردید، نمی‌کردید؛ این صبری را که کردید، نمی‌کردید؛ این مجموعه‌ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی‌آمد و این موفقیتها هم عاید انجام نمیشد. این، درس قرآن است. (۱۳۷۶/۰۵/۲۹)

نتیجه فعالیت کار شهیدان بر روی انقلاب و جوانان

شهیدای ما، هر قطره خونشان توانست اکسیری بشود برای تبدیل عنصرهای پست و نخاله‌ی وجود ما به عنصرهای والا و باشرف. شهدا خودشان متحول شدند و در ارواح جوانان ما و مردم ما تحول آفریدند. جوانهای امروز نه امام را که مظهر قداست و شرف و نمونه‌ی برترین اولیا بعد از معصومین بود، دیده‌اند، نه دوران جنگ را تجربه کرده‌اند، نه سختیهای دورانهای قبل از انقلاب را دیده‌اند؛ اما همین جوانهای امروز با روحیه‌ی آماده و قوی، با ذهن روشن و عزم راسخ ایستاده‌اند. این بر اثر چیست؟ این همان تزریق خون است که شهیدان ما به این انقلاب انجام دادند؛ شهیدان ما را زنده کردند. این، یک ذخیره است. این ذخیره را ملت ایران باید حفظ کند. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

تأثیر شهادت در پیشرفتهای عظیم و سربلندی هر ملت

این پدیده، چقدر عظیم است! هرچه انسان نزدیکتر میشود، بیشتر می‌گردد. مثل کوههای بلند؛ انسان از دور هم می‌بیند کوه است، اما وقتی نزدیک میشود، می‌بیند عظمت این پدیده، قابل احاطه فکری نیست. بُعد تأثیر این پدیده در پیشرفتهای عظیم هر ملتی است. هر ملتی که متکی به شهادت شد - یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت - برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملت پیروز نخواهد شد. (۱۳۷۷/۰۷/۰۵)

مسأله شهادت در راه خدا برایش حل شده است، آیا تحت تأثیر تهدید قرار می‌گیرد؟!

قدرتهای دنیا، برای تحمیل افکار خودشان بر ملتها، بر دولتها، بر کشورها و بر زبده‌ها، از چه وسایلی استفاده میکنند؟ از تهدید استفاده میکنند. از تطمیع استفاده میکنند. از رشوه استفاده میکنند. از فشارهای گوناگون استفاده میکنند؛ فشار تبلیغاتی، فشار نظامی و امثال آن. چه کسی این فشارها را تحمل نمیکند؟ آن کسی که دل به چرب و شیرین زندگی سپرده و چشمش خیره رنگ‌آمیزیهای ظاهری زندگی شده است! این‌گونه آدمها از مرگ می‌ترسند. اینها هستند که قدرتمندان میتوانند لگامشان بزنند و سوارشان شوند! اینها هستند که اگر در رأس حکومتها باشند، ملتهای خودشان را بدبخت میکنند و اگر در آحاد ملتها باشند، دولتهایشان را تنها

میگذارند. این کسانی که به صورتهای ظاهری رنگ و روغن شده زندگی دل سپرده‌اند، از باطن زندگی، از عزّت زندگی، از سعادت انسان و از فلاح حقیقی، هیچ خبری ندارند. نقطه ضعف زندگی ملت‌ها اینها هستند. نقطه ضعف بشریت این جاست. خوب؛

حالا ملتی که اهل شهادت است، مسأله شهادت در راه خدا برایش حل شده است. نه این که همه‌اش بخواهند مردم بروند و کشته شوند؛ نه، بلکه به این معنا که اگر یک وقت لازم شد و کشور و تاریخ آن کشور و عزّت و منافع آن ملت، احتیاج داشت که عده‌ای بروند و جانفشانی کنند، عده‌ای در این ملت حاضر باشند جانفشانی کنند. این معنای حل شدن معنای «شهادت» است؛ شهادت برایشان حل شده است. ملتی که این‌گونه باشد، ملتی که شهیدپرور باشد، ملتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر تهدید قرار میگیرد؟! آیا رشوه میگیرد؟! آیا تسلیم قدرتمندان میشود؟! آیا به استکبار بار میدهد؟! ابداً. لذا امروز نگاه کنید؛ عزّت و عظمت کشور شما به برکت خون همین عزیزان شماس. (۱۳۷۷/۰۷/۰۵)

شکست استکبار، سیادت اسلام و ملت

دولتش، ملتش، مسؤولینش و آحاد طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند خدشه‌ای به عزّت اسلامی این ملت وارد شود و مثل کوه ایستاده‌اند. حالا استکبار جهانی فشار می‌آورد؛ بیاورد. او خسته خواهد شد؛ کما این که بیست سال است - از اوّل انقلاب تا به حال - فشارهای استکبار ادامه دارد: همسایه‌ای را تحریک کنند، جنگی را راه بیندازند، محاصره اقتصادی کنند، تبلیغات مخرب کنند و تهمت بزنند، حرفهای گوناگون بگویند و سعی کنند بین ملت اختلاف ایجاد نمایند و باورهای ملت را بگیرند!

استکبار در همه این هجمه‌ها و یورشهای وحشیانه، شکست خورده است و باز هم شکست خواهد خورد. به خاطر این که این ملت به برکت خون همین شهدای شما، ملتی است دارای شهامت؛ ملتی است شهیدپرور. ببیند تأثیر شهادت برای سیادت و سعادت یک ملت، چقدر بالاست؟! اینهاست که ارزش دارد. وجود چنین مردان و زنان و چنین جوانانی است که دنیا و آخرت یک ملت را تأمین میکند؛ هم دنیایشان را آباد میکند، هم آخرتشان را. به فضل پروردگار، ملت بزرگ ایران به برکت خون شهیدان و به خاطر برکات عظیم شهادت، خواهد توانست همه مشکلات را از سر راه خود بردارد. همه این دشمنیها، همه این کینه‌ورزیها و کمین‌گرفتنهای دشمنان در مقابل

عزم و اراده این ملت، طاقت نخواهد آورد و از بین خواهد رفت و رنگ خواهد باخت. چرا؟ چون ملت بیدار است. شما خانواده‌های شهدا به این نکته توجه کنید. (۱۳۷۷/۰۷/۰۵)

ترس دشمنان از انقلاب اسلامی و شهدا

انقلاب شما و شهادت شهیدان شما هم از همین قبیل (حادثه عاشورا) است. در اول حادثه‌ای زلزله‌گون بود؛ خلیجها تحلیل کردند: یک زلزله است، می‌گذرد و فراموش میشود! اما این جور نشد؛ عکس شد. امروز در اعماق دل ملت‌های مسلمان، مفاهیم انقلاب اسلامی روز به روز رسوخ بیشتری پیدا میکند؛ این نه حرف من، بلکه محصول تحلیلهای کسانی است که دشمن‌ترین دشمنان‌شان، ملت ایران و انقلاب اسلامی است! آنها می‌گویند؛ آنها شهادت میدهند. اینیکه می‌بینید تهدید میکنند و علیه ملت ایران عربده میکشند، به خاطر همین تحلیل است؛ می‌ترسند! می‌بینند این حادثه خاموش نشد؛ می‌بینند این موج کمرنگ نشد و مرتب برجسته‌تر و گسترده‌تر و عمق آن بیشتر میشود؛ لذا می‌ترسند.

یک روزی آنها خیال کردند توی این کشور انقلاب تمام شده؛ علت هم این بود که چند تا آدم غافل و نادان یا گفتند: انقلاب تمام شد، یا گفتند: اسم شهدا را دیگر نیاورید، یا گفتند: امام را باید به موزه‌ی تاریخ سپرد و از این حرفها! آن بی‌عقلهائی که از این حرفها می‌خواستند برای سیاستهای خودشان تحلیل درست کنند، باور کردند؛ خیال کردند انقلاب تمام شد. امروز که انسان نگاه میکند، آثار یأس از آن تحلیل را در سخنان و در تحلیلهایشان می‌بیند. از ملت ایران، از عظمت ایران، از استقلال ایران و از استعداد جوانهای ایران، احساس واهمه میکنند. (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

این فرهنگ اگر عمومی شد...

این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

قاموس شهیدایی در فرهنگ کشور مانع غلبه استکبار

این شهادت، چه تأثیر سازنده و عظیمی را بر انقلاب گذاشت. عزیزان من! تا وقتی در قاموس ما، در فرهنگ ما، در منطق ما، شهادت بر همین سطح از اعتبار وجود داشته باشد، بدانید هیچ قدرتی - چه قدرتهای مستکبر کنونی، و چه بمراتب قویتر از اینها - نخواهد توانست بر جمهوری اسلامی و ملت ایران فائق بیاید.

خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است.
(۱۳۸۹/۰۴/۰۷)

یاد شهیدان، احساس عظمت و استغنا از غیر خدا

آنجائی که یاد شهادت، یاد شهیدان، ذکر شهیدان، تمجید از عظمت شهیدان وجود دارد، هر انسانی، هر دلی احساس عظمت میکند؛ احساس استغنا از غیر خدا میکند. (۱۳۹۰/۱۲/۱۰)

اثرات تفهیم معنای واقعی شهادت

ارتباط با امام حسین علیه الصّلاة والسّلام و فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک میکند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که برای آرمانها چگونه میشود رفت و جان فدا کرد، آن وقت میتواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برایش نیست. اگر جز این باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضی از کشورها، بعضی از دولتها و بعضی از ملتهایی خواهد شد که در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان میدهند. (۱۳۷۵/۰۲/۲۶)

آن چیزی که میتواند ملت را سرپا نگه دارد

در یک چنین شرایطی آن چیزی که میتواند ملت را سرپا نگه دارد، در آنها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهدا است؛ یعنی از جمله‌ی عوامل مهم، یاد شهدا است. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور است

در دیدارهای با خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان عزیز و ایثارگران، آن چیزی که در درجه‌ی اول مورد اهتمام این حقیر است، بعد از تجلیل و احترام و تقدیم مراتب تشکر و قدردانی به خانواده‌های عزیز، این است که مجموعه‌ی ملت عزیز ما توجه کنند که روحیه‌ی ایثارگری نجاتبخش یک کشور است، نجاتبخش یک ملت است. روحیه‌ی گذشت، روحیه‌ی فداکاری، وقت انجام وظیفه را شناختن، کار را بوقت و بموقع انجام دادن، نجاتبخش است. (۱۳۹۰/۰۷/۲۱)

خانواده‌های شهدا، نماد صبر و بصیرت

مردم‌سالاری باید معنایی داشته باشد؛ معنای واقعی دارد، تعارف نیست. شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنها در این راه، بهترین آزمایش را دادند. این صبر عظیمی که خانواده‌های شهیدان

نشان دادند، خیلی ارزش دارد. اگر خانواده‌ها بی‌صبری نشان میدادند، بی‌معرفتی نشان میدادند، بی‌بصیرتی نشان میدادند، فضای مجاهدت سرد میشد؛ دلها مشتاق فداکاری و ایثارگری باقی نمی‌ماند. خانواده‌ها صبر نشان دادند. سالهای متمادی از آن دوران دفاع مقدس گذشته است، اما باب شهادت بسته نشده؛ باز هم مشاهده میکنیم خانواده‌هایی داغدار عزیزانی میشوند که به مناسبت‌های گوناگون وادی شهادت بر روی آنها در باز میکند، آنها پر می‌گشایند و می‌روند. اگر این بصیرت و این صبر در ملتی باشد، بدون تردید این ملت قله‌ها را در خواهد نوردید. (۱۳۹۱/۰۷/۲۱)

روحیه خانواده شهدا؛ عامل حفظ عظمت نظام

یقیناً فضیلت خانواده‌های مکرم شهدا از لحاظ عظمت، بلافاصله پشت سر فضیلت شهداست. شما خانواده‌ها، سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدس بوده‌اید و روحیه شما و فرزندان شهدا توانسته است در طول دوران دفاع مقدس و بعد از آن، عظمت نظام اسلامی و روحیه والای ملت بزرگ ایران را حفظ کند و روحیه دشمنان را تضعیف نماید. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

خانواده‌های شهدا حق بزرگی بر گردن ملت دارند

حقیقتاً هم شهدای شما، هم خانواده‌ها، پدران، مادران و فرزندان آنان، حق بزرگی بر گردن همه‌ی ملت ایران دارند. (۱۳۹۴/۱۱/۰۵)

فصل ششم: پیام و راه شهدا

حفاظت از خون شهید با حفاظت از اهداف او میسر می‌شود

همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این هم‌تها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه سعادت دنیا و آخرت است - سختیها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور. این که خانواده شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهداست. امروز در این کشور، راه خدا، راه دین و راه تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی این ملت است. دین، دنیای مردم را هم آباد خواهد کرد، آخرت مردم را هم آباد خواهد کرد. دین، شر دشمنان را هم کم خواهد کرد. آن کسانی که میکوشند مردم را از دین جدا کنند، میخواهند تیشه به ریشه سعادت این ملت بزنند. البته نمیتوانند بزنند. هیچ مرکزی در دنیا وجود ندارد که بتواند با این ملت، با این ایمانها، با این احساسها و با این اخلاصها دست و پنجه نرم کند. شما عزیزان - خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنباله‌رو راه شهید و نگهدارنده علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است. (۱۳۷۷/۰۷/۰۵)

دنبال کردن راه شهدا یعنی ارزشهای اسلامی را دنبال کنیم

عزیزان! اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما گرامیند - که گرامیترینند - گرامیداشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنبال کنیم. دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخصهای نمایان که میتواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم. زن و مرد در این جهت یکسانند؛ پسران و دختران شهید، برادران و خواهران شهید و آنهایی که نسبتی با شهید دارند در این جهت یکسانند. هر چه به شهید نزدیک‌ترید، افتخارتان بیشتر و مسئولیت‌تان سنگین‌تر است. کشور مال شماست؛ کشور مال جوانهاست؛ آینده مال شماست. آنهایی که رفتند، رفتند و راهها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راههای گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. و الا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی و نمکنشناسی است. نمکنشناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی

ماست و ملت ایران این وظیفه را انجام می‌دهد و مسئولین کشور بحمدالله به این وظیفه متعهد و پایبندند و شعارهای اسلامی و مبانی و اصول اسلامی برای آنها اصلیت‌ترین پرچمها و شعارهاست. ان‌شاءالله این ملت با این عزم، با این روحیه، با این جوان و با این مشعلهای درخشانی که از خون شهیدان برافروخته شده و فضا را روشن کرده، خواهد توانست به بلندترین و دورترین آرزوهای خودش برسد. (۱۳۸۷/۰۲/۱۳)

این راه، راه ارزشهاست

راه این عزیزان را نه فقط خانواده‌های شهدا بلکه همه‌ی ملت ایران باید ادامه دهند و به‌رغم عنف دشمن این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه، راه ارزشهاست؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است. این راه را چه دشمنان مستکبر جهانی بیسندند، چه نپسندند؛ چه بخواهند، چه نخواهند، ملت ایران به فضل پروردگار و به توفیق الهی با همان قوت و قدرت ادامه خواهد داد (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

حفظ راه شهدا وظیفه همه ما است.

آنچه که مهم است، حفظ راه شهداست؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه اول ماست. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه این که بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسؤولیتی دارند و شانه‌های آنها زیر بار مسؤولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه بیشتری دارند. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

گاهی رنج زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست

بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است. اگر این حقیقت، به وسیله کسانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه الصلاة والسلام بهره می‌برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه‌ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگهداشتن این خون به کار بردند. گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجاد علیه الصلاة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیهاسلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه

علیهم السّلام تا دوران غیبت ، این رنج را متحمّل شدند. امروز، ما چنین وظیفه‌ای داریم. البته شرایط امروز، با آن روز متفاوت است. امروز بحمدالله حکومت حق - یعنی حکومت شهیدان - قائم است. پس، ما وظایفی داریم. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

راه شهدا، راه دین بود

راه شهدا، راه دین بود، راه فداکاری برای اسلام بود، راه سربازی انقلاب بود، راه تقویت نظام اسلامی بود (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم...

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاشهای روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر میشود، این حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

درس بزرگ

آنان همان فرزاندانی هستند که جان عاریت را که کالایی تمام شدنی و رو به زوال است، با نعیم پایدار الهی سودا کردند و خود را از خسرانی که هر انسانی خواه ناخواه دچار آن است یعنی اضمحلال تدریجی سرمایه‌ی زندگی، به نیکوترین وجه رها ساختند. عمل صالح آنان که از ایمانی پایدار ریشه می‌گرفته است، برترین عملهای صالح است.

این درس بزرگ را شهید، با حضور خود، با کرامت خود، با اجر عظیمی که بدو وعده داده شده است به طور پیوسته به ما که هنوز در پشت حصارهای مادیت و خود پرستی زندانی می‌باشیم، می‌دهد و ما را به جهاد، به هجرت الی الله، به تلاش مخلصانه در راه خدا که همان انجام تکلیف هر زمان و پاسخ به نیاز هر لحظه است، فرامی‌خواند (۱۳۷۵/۰۷/۰۵)

رخت بستن گرایش به شرق و به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد

همین شهدای جوانی که می‌روند این روزها برای دفاع از حرم یا رفته‌اند شهید شده‌اند -از جمله همان شهید عزیز قزوینی شما- حرف اینها، اقدامشان، حرکتشان، خاطره‌شان، سخنانی که راجع

به اینها گفته میشود، همه‌ی اینها بیدارکننده است، همه‌ی اینها هشیارکننده است. ما گوشمان سنگین است، این پیامها را درست نمی‌شنویم؛ اگر به ما بشنوند این پیامها را، دیگر این گرایش به شرق و به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد و مانند اینها، از بین ما رخت بر خواهد بست. (۱۳۹۷/۰۸/۱۴)

در پیشرفت خود دارای خوف نباشد.

برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهدا است به ما؛ که باید این پیام را شنید . برای یک ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند؛ این پیام شهدا است به ما؛ که باید این پیام را شنید. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

عدم توقف در مسیر، کار شهداست

شهدا مایه‌ی رونق حیات معنوی‌اند در کشور. حیات معنوی یعنی روحیه، یعنی احساس هویت، یعنی هدف‌داری، یعنی به سمت آرمانها حرکت کردن، عدم توقّف؛ این کار شهدا است؛ این را هم قرآن به ما یاد میدهد. شهدا تا هستند، با تن خودشان دفاع میکنند، وقتی میروند، با جان خودشان: **وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**؛ ببینید این استبشار، مال بعد از رفتن است. تا هستند، جانشان و تنشان و حرکت مادی‌شان در خدمت اسلام و در خدمت جامعه‌ی اسلامی است، وقتی میروند، معنویتشان، صدایشان تازه بعد از رفتن بلند میشود. نطق شهدا بعد از شهید شدن باز میشود، با مردم حرف میزنند - **بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ** - با ماها دارند میگویند؛ [باید] ما گوشمان سنگین نباشد تا بشنویم این صدا را. کاری که شماها میکنید، خانواده‌ی معظم شهدا میکنند یا بزرگداشت‌داران در شهرهای مختلف - مثل قزوین، بیرجند و جاهای دیگر - انجام میدهند، این است که این صدا را به گوش سنگین ماها برسانید؛ مهم این است که ما بشنویم این صدا را. و خدای متعال در این صدا هم اثر گذاشته؛ واقعاً اثر گذاشته؛ جوری شده است که وقتی از شهیدی یک چیزی نقل میشود، یک حرف دقیق و متینی نقل میشود، اثر میگذارد بر روی دلها، دلها را منقلب میکند. و همین شهدای جوانی که میروند این روزها برای دفاع از حرم یا رفته‌اند شهید شده‌اند، حرف اینها، اقدامشان، حرکتشان، خاطره‌شان، سخنانی که راجع به اینها گفته میشود، همه‌ی اینها بیدارکننده است، همه‌ی اینها

هشیارکننده است. ما گوشمان سنگین است، این پیامها را درست نمی‌شنویم؛ اگر به ما بشنوانند این پیامها را، دیگر این گرایش به شرق و به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد و مانند اینها، از بین ما رخت بر خواهد بست. (۱۳۹۷/۰۸/۱۴)

پیام شهیدان، پیام نفی ترس و اندوه است.

پیام شهیدان حقیقتاً پیام بشارت است؛ ما باید گوشمان را اصلاح کنیم که این پیام را بشنویم؛ بعضی نمی‌شنوند پیام شهدا را، لکن این [آیه‌ی] قرآن کریم است: وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، (۱) پیام شهیدان، پیام نفی ترس و اندوه است. البته این [نفی] ترس و اندوه، مصداق اتمش برای خود آنها است؛ در آن نشئه‌ی پُر از ترس و پُر از اندوه که همه‌ی انسانها گرفتار خود هستند، پیام کسانی که در راه خدا به شهادت رسیدند -یعنی همین جوانهای شما؛ چه آنهایی که در دفاع مقدس به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از مرز به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از امنیت به شهادت رسیدند، چه آنهایی که در دفاع از حرم و از حریم اهل بیت به شهادت رسیدند- بشارت است برای خودشان و همچنین برای مخاطبانشان؛ (۱۳۹۷/۰۹/۲۱)

احتیاج امروز

شهیدان به ما میگویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دلسردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در مقابل چشم ما نگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

دو موضع‌گیری و حرکت زیبای شهیدان

در جمع‌بندی، انسان به این نتیجه میرسد که شهیدان، دو موضع‌گیری و دو حرکت زیبا و باشکوه از خودشان نشان دادند که هر کدام پیامی دارد. این دو موضع‌گیری، یکی در قبال ذات مقدس ربوبی، در قبال اراده الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنهاست؛ یک موضع‌گیری هم در مقابل دشمنان خداست. یعنی اگر شما رفتار و روحیه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضع‌گیری میرسید. شهید در قبال خدا خدا، گذشت و ایثار کرده است.

موضعگیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدّس پروردگار است، عبارت از گذشت است. شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمیداد، به این مقام نمیرسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌های پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همه‌شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

اهمیت گذشت در راه خدا و پیروزی کلمه حق

ما که می‌خواهیم پیام آنها [شهدا] را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره عالم آفرینش تحقّق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف ما لایطاق هم نیست؛ تا آن جایی که میشود. هر جایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون برو برگرد، کلمه باطل پیروز شد.

در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد. کاری شد که هیچ تحلیلگری پیش‌بینی نمیکرد که بشود؛ یعنی اقامه حکومت اسلام، حکومت دین؛ آن هم در این نقطه عالم. چه کسی فکر میکرد؟ چه کسی باور میکرد؟ اما به برکت این حرکت شهیدان و مؤمنان و ایثارگران، این کار نشدنی انجام شد؛ چون جمع برگزیده و گروه قابل توجّهی از مؤمنان، - نمیگوییم همه - خود را نادیده گرفتند. همه باید سعی کنند که جزو این گروه باشند، تا این افتخار متعلّق به آنها باشد.

هر جایی که این گذشت نبود - مثل آن جاهایی که نیست؛ مثل در طول تاریخ که نیست؛ مثل دوران امام حسین علیه‌الصلاة والسلام که اکثریت قاطع زبندگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند - کلمه باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی‌امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی‌عبّاس پنج، شش قرن سرکار آمد و ماند. به خاطر آن که این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه غنیمت نشوید

پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته مطهر احترام میگذارند، همین است. شما نگاه نکن که یک نفر تخلف میکند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضُرَّکُم مِّنْ ضَلَّ اذْهَتَدِیتُمْ». شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگهدار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

شهدا زاهدترین و پارساترین افراد

آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه رفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عده‌ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عده‌ای هم مشغول سوء استفاده شدند، عده‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آن که به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هرکدام یک ستاره و یک خورشیدند.

بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده الهی، باید انسان خود را شناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمیشود شوخی کرد. اینها از انسان تحرک و تصمیم میطلبد. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

ایستادگی مطلق و استقامت در برابر دشمن

پیام دوم، در مقابل دشمنان خداست؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر - یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند - این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خُرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن میخواهد جوامع را منفعل کند.

پیام دوم شهید - که خودش نیز همین طور عمل کرده است - استقلال اسلامی، ایستادگی اسلامی، هضم نشدن در مقابل دشمن، نترسیدن از دشمن، قدرت پوشالی دشمن را به حساب نیاوردن، عظمت اتکای به نفس و توکل به خدا را در همه امور زندگی فهمیدن و تشخیص دادن است. ملت ایران، در همه قضایا این را نشان داده است؛ بعد از این هم باید نشان دهد. (۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

پیام همیشگی شهیدان است

این پیام، پیام روز اول شهیدان نیست که خیال کنیم مثلاً ۳۰ سال، ۳۵ سال است شهید شده؛ نه، این پیام، پیام همیشگی شهیدان است؛ یعنی آنها در جوار قدس الهی و نعمت الهی هم که هستند، مرتب دارند به ما پیام میدهند، بشارت میدهند: وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ این پیام شهدا است. اگر وارد میدان مبارزه بشویم - یعنی همان چیزی که دشمنان ما از آن میترسند و واهمه دارند - باید بدانیم که خدای متعال بیم و ترس و اندوه را از ما دور میکند؛ کما اینکه در دوره‌ی دفاع مقدس هم همین جور بود. آن کسانی که میرفتند جبهه و یک مدتی آنجاها بودند، وقتی که میخواستند به محیط خانواده و شهر برگردند، محیط شهر برایشان سنگین بود یعنی واقعاً برایشان فشار داشت؛ [در صورتی که] آنجا برایشان مثل بهشت بود؛ یک معنویتی بود، یک روحانیتی بود، خوش بودند - خوش به معنای روحی و معنوی و غرق در ذکر الهی بودن - این جوری بودند. جوانها آنجا واقعاً در زیر رگبار، زیر خمپاره، زیر ترکش لذت میبردند که این هم خاصیت فداکاری است، خاصیت حضور در میدان مبارزه‌ی لله و جهاد فی سبیل الله است. وقتی می‌آمدند داخل شهر و این ارتباطات و انتظامات شهری و مناسبات گوناگونی را که در محیط‌ها هست میدیدند، غالباً دلشان میگرفت، به ما هم میگفتند، واقعش هم همین بود؛ این به خاطر این است که آنجا صفا هست، آنجا معنویت هست، آنجا بهشت است؛ مصداق کامل «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آنجا است. (۱۳۹۷/۱۲/۰۶)

اثر رسیدن پیام شهدا

عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمیگیرند، نمی‌شنوند، وَاَلَا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد

شد به برکت صدای شهیدان؛ این حزن و خوفِ ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد. (۱۳۹۷/۰۷/۰۴)

فصل هفتم: فرهنگ شهدایی

بخش اول: معنا و مفهوم

فرهنگ شهادت یعنی...

فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه‌ی مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطه‌ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه‌چیز را برای خود و با محاسبه‌ی شخصی می‌سجند؛ برای همه‌چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ»؛ اینها کسانی هستند که ایثار میکنند؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

باید بتوانیم این روحیه را در همه گسترش بدهیم که بایستند

ما باید بتوانیم این روحیه را در همه گسترش بدهیم که بایستند؛ کما اینکه خوشبختانه امروز به برکت انقلاب، ملت ایران ایستاده است، اما باید اینها را برای آینده نهادینه کرد تا راه جهاد، راه ایستادگی، راه مقاومت، راه قطعی نسلهای پی‌درپی قرار بگیرد. همان طور که در قرآن کریم در سوره‌ی حمد که هر روز تکرار میکنیم، میگوییم «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، این «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همین شهدایند دیگر؛ یکی از مصادیق بزرگ شهدا «أُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ» [هستند؛] اینها جزو «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند. (۱۳۹۸/۱۰/۲۳)

اولی بودن خانواده‌های شهدا در خودسازی

اگر انسان مسلمان، با روحیه‌ی شهادت‌طلبی در میدان بماند، هیچ قدرتی نمیتواند بر او فایق بشود؛ این روحیه را باید حفظ کرد. من به خانواده‌های عزیز شهدا، مخصوصاً فرزندان‌شان - این جوانان و نوجوانان عزیز - توصیه میکنم، هرچه میتوانید، خودسازی کنید. همه باید خودسازی بکنند؛ اما شما اولی هستید. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

لزوم تعمیق باورهای مردم در فرهنگ سازی شهدایی

کار و تلاشی [هم] که دشمن میکند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیه است. اینجا آن وقت شما نقش ایفا میکنید، نقش پیدا میکنید؛ نقش مهم. شما از مدافع حرم هم که دفاع میکنید، خیلی کار باارزشی است. همین شعرهایی که خوانده شد، همین حرفهایی که زده شد، اینها خیلی باارزش است، در این تردیدی نیست - کما اینکه در دوران دفاع مقدس، همین شعرهایی که خوانده میشد و همین سرودهایی که گفته میشد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد - منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است. (۱۳۹۵/۰۱/۱۱)

هدف از کار فرهنگ شهدایی رساندن مطلب به عمق وجود

سعی کنید این منشورات و این محصولات کار خودتان را به ذهنها برسانید، به مخاطبها برسانید. یعنی ما فقط دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم؛ البته بلاشک تولید کتاب مهم است یا تولید فیلم و تولید هنری مهم است؛ منتها در کنار این، پیدا کردن مخاطب یا به یک معنا تولید مخاطب [هم] مهم است. سعی کنید کتاب را بتوانید به ذهن مخاطبین برسانید. امروز جوانهای ما احتیاج دارند به خوراکیهای فکری. خیلی از این جوانهای امروز ما حتّی جوانهای فعّال و خوب ما هم نه انقلاب را درک کردند، نه امام را درک کردند، نه دوران جنگ را درک کردند، نه از این قضایای گوناگون مطلعند. حالا شما گفتید پنجم آذر؛ خب جوانهای گرگانی میدانند پنجم آذر چه اتفاقی افتاده؟ این خیلی مهم است. بدانند روز پنجم آذر چه اتفاقی افتاده که در تاریخ ثبت شده؛ یعنی این مهم است. اینکه جوانها تاریخ خودشان را، گذشته‌ی خودشان را و در واقع شناسنامه‌ی انقلابی خودشان را بدانند، خیلی مهم است. این را باید سعی کنید که حتّی المقدور انجام بدهید. این هم البته احتیاج دارد به کار؛ یعنی کار ساده‌ای نیست. مشکل‌تر از کتاب نوشتن، رساندن کتاب به چشم و ذهن مخاطب است؛ این خیلی مهم است. این هنر لازم دارد، دقّت لازم دارد، ظرافتهایی دارد که بایستی بتوانید اینها را وارد ذهن اینها بکنید. (۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

بخش دوم: ارزش و لزوم فرهنگ سازی

یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است

من عقیده‌ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است؛ این یک نیازی است که ما - چه آدمهای مقدّس مآب و متدینی باشیم؛ چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدّس مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه‌مندیم - هر جور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده‌ی این کشور، حیاتی و ضروری است. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

تقویم دفاع مقدس

مسئله‌ی شهدا مسئله‌ی بسیار مهمّی است و ما هنوز که هنوز است، اهمّیّت کاری را که جوانهای ما در این دوران طولانی بعد از پیروزی انقلاب تا امروز انجام داده‌اند، بخصوص در دوران دفاع مقدّس، تقویم واقعی نکرده‌ایم؛ یعنی هنوز آن وزن واقعی این کار را در حفاظت از انقلاب، نظام، کشور، عزّت ملی و آینده و تاریخمان، شاید حالا تشخیص هم نداده‌ایم اما ابراز [هم] نکرده‌ایم و نشان نداده‌ایم. (۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

مسأله شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه است

مسأله‌ی شهید و ایثارگری، کهنه‌شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی‌ها از این نکته غفلت می‌کنند. این که می‌بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می‌اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمی‌فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسؤولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکل‌های گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، یک امر ضروری و لازم بود. البته اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ می‌توانستند او را در بوته‌ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجاد (علیه السلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟

بعضی خیال می‌کنند این کار برای انتقام گرفتن از بنی‌امیه بود؛ در حالی که بنی‌امیه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه‌السلام) که بعد از آمدن بنی‌عباس است، چرا به ریّان بن‌شبيب دستور می‌دهد مصیبت‌نامه‌ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنی‌امیه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن‌علی و خون او عَلم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سرپا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

حفظ روحیه میدان‌های نبرد

باید همیشه آن روحیه‌ی را که آنها را در میدان نبرد به پیش می‌برد و به فداکاری وادار میکرد، حفظ کنند. البته همه‌ی دستگاهها موظفند که قدر و ارج این عزیزان - چه خانواده‌ی شهدا، چه جانبازان، چه آزادگان، چه خانواده‌هاشان، چه فرزندان‌شان - را حفظ کنند. بالاتر از همه‌ی اینها، لطف و تفضل الهی است، که امیدواریم همواره شامل حال شما باشد و بماند. (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

نقش دشمنان در زدودن فرهنگ و وظیفه مقابل با آنان

امروز دشمنان کمین گرفته‌ی نظام اسلامی ما با شیوه‌های گوناگون برآنند که رونق جهاد و شهادت را در چشم مردم ما بخصوص جوانان و بویژه دانشجویان بشکنند، و این برای کسانی که عادت کرده‌اند با راحت‌طلبی و تغذیه از ذخیره‌ی شرف و شجاعت و غیرت مجاهدان سرافراز، زندگی را بگذرانند بسی مطبوع و دلنشین است، پس آنان نیز دانسته یا نادانسته به این خط مشی خصمانه کمک می‌کنند. توصیه‌ی این جانب به شما دانشجویان عزیز و همه‌ی جوانان عزیز این کشور آن است که این عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه را از دست ندهید و آنرا بزرگ بشمارید. شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید، آخرین وصایای آنان را که غالباً رشحاتی از فیض و هدایت الهی است با چشم تدبر بخوانید. ابزار قدرت خود را از دست ندهید آنرا بکار بیاندازید و به کمک و حمایت الهی امیدوار باشید. (۱۳۸۱/۱۰/۱۵)

نگذارید غبارهای فراموشی روی این خاطره‌های گرامی را بگیرد

دو سه نکته عرض کنیم: یکی این است که یاد شهیدان نباید در جامعه‌ی ما از ذهنیتها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرامی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه‌ی استانهای کشور این معنا وجود دارد. نگذارید غبارهای فراموشی - که عمداً گاهی این غبارها را

میخواهند بر روی این خاطره‌های گرامی بپاشند و قرار بدهند - روی این خاطره‌های گرامی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاههای دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده‌ها هم در محیطهائی که شعاع نفوذ و سلطه‌ی آنهاست، این کار را انجام بدهند. از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده‌اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضد ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده‌ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند. شما ببینید توطئه‌های دشمن تا کجا از لحاظ فرهنگی و سیاسی نفوذ میکند و چقدر من و شما باید هشیار باشیم که جلو این توطئه‌ها را بگیریم. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

اثرات و لزوم فرهنگ سازی در مقابلات هجمه‌های دشمنان

کاری که شما شروع کرده‌اید - که تجلیل از شهدای هرمزگان است - کار بسیار خوب و لازمی است و یک وظیفه است بر عهده‌ی همه. چرا میگوییم وظیفه است؟ به خاطر اینکه یک سیاستی وجود دارد - یک سیاست دنیایی، بین‌المللی؛ که حالا آن سیاست در داخل هم یک شعبی پیدا میکند - برای به فراموشی سپردن نمادهای انقلاب؛ که یکی [از این نمادها] و برترینش مجاهدت و شهادت در راه خدا است؛ برای اینکه نام شهدا را، یادشان را، حرکاتشان را به فراموشی بسپرن؛ شما در واقع در مقابل این حرکت خبیثانه دارید حرکت میکنید. این [هم] که اشاره کردید فلان تعداد خانه، فلان تعداد جهیزیه و ... [فراهم کرده‌اید]، اینها کارهای بسیار خوبی است، اینها حتماً کارهای برجسته‌ای است. هر شهیدی یک نماد است؛ فرق هم نمیکند که این شهید، باسواد باشد، بی‌سواد باشد، کم‌سن باشد؛ نفس اینکه یک انگیزه‌ای در کسی به وجود بیاید که برای دفاع از حق حاضر باشد جان خودش را کف دست بگیرد و بیاید وسط میدان، چیز خیلی باارزشی است؛ خدای متعال این را خیلی باارزش [میداند]. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ؛ (۱) ببینید خدای متعال، مشتری یک چنین انگیزه‌ای، یک چنین عزمی، یک چنین اقدامی است؛ این کار خیلی بزرگی است، این چیز خیلی مهمی است؛ این را شهدای ما انجام دادند؛ حالا کوچک باشد، بزرگ باشد، عالم باشد، باسواد باشد، بی‌سواد [باشد]؛ هر شهیدی یک نماد است. سعی کنید چهره‌ی شهدا را آن چنان که هست برای جوانهای امروز روشن کنید؛ این نمادها میشوند الگو برای جوان. و این به آنجا منتهی بشود

که جوانها بتوانند در بین این چهره‌هایی که معرفی شده‌اند و نشان داده شده‌اند، برای خودشان الگو انتخاب کنند، به آنها دل ببندند و راه آنها را دنبال کنند؛ کما اینکه الان ملاحظه میکنید در بین شهدائی که اسمشان آورده شده و کتاب درباره‌شان نوشته شده و مانند اینها، همین حالت [برای جوانان] به وجود آمده؛ شهید چیت‌سازیان، شهید ابراهیم هادی، شهید وزوایی؛ همه‌ی اینها شهدائی هستند که چون معرفی شده‌اند و چهره‌هایشان تبیین شده، مجموعه‌ای از جوانها هم به اینها دل بسته‌اند؛ وقتی دل می‌بندند، راه آنها را دنبال میکنند. این درست نقطه‌ی مقابل آن حرکتی است که سعی میکند دلبستگی‌ها را به نمادهای فساد، به نمادهای دنیاطلبی، به نمادهای هرزه‌گرایی جلب کند؛ ببینید این، نقطه‌ی مقابل آن است؛ این را شما دنبال نکنید، ان شاء الله که خداوند هم کمکتان خواهد کرد. (۱۳۹۸/۰۹/۲۵)

نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید نفوذی‌های دشمن وارد میشوند

این یک مطلب، که یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب‌العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید، نیروهای انقلاب غفلت کنند، نیروهای مؤمن غفلت کنند، نفوذی‌های دشمن از آن طرف وارد میشوند و چیزی هم طلبگار میشوند. «فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد اشحّة علی الخیر اولئک لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم» (۱)؛ وقتی که روز خطر است، در لانه‌ها خزیدند و نفسشان در نیامد. وقتی خطر برطرف شد؛ مردان خطرپذیر در مقابل خطر سینه سپر کردند و خطر را برطرف کردند، اینها از لانه‌هاشان بیرون می‌آیند؛ زبانهای دراز، زبانهای تیز، طلبگار هم میشوند! مگذارید دشمنان انقلاب، دشمنان امام، دشمنان خط جهاد، دشمنان خط ایمان بالله، طلبگار بشوند. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

صلاح کشور در گرامیداشت یاد شهیدان است

دشمن می‌فهمد چه کار میکند؛ آن کسانی که سعی میکنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت میکنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرامی میدارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت میکنند. همین روحیه‌ی صبر شهیدان عزیز شماست که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

من به همه‌ی گویندگان، نویسندگان و کسانی که تریبونی در اختیار دارند، توصیه میکنم: اگر صلاح این کشور و این ملت را میخواهند، یاد شهیدان، نام شهیدان، خاطره‌ی شهیدان و بازماندگان آنها و جانبازان را گرامی بدارند. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

خورشید فروزان شهادت، همه‌ی حجابهای تحریف و فریب را، خواهد شکافت

امروز، دستهای مجرم، که از آغاز انقلاب و بخصوص در دوران دفاع مقدس همه سعی‌شان این بود، که حقانیت درخشان و مظلومانه‌ی یاوران خمینی عزیز را، کتمان کنند در کار آنند که خاطره‌های دوران جنگ را، به دست تندبادهای تبلیغات مغرضانه بسپرند، و آنها را در وادی فراموشی رها کنند، ولی بی‌شک موفق نخواهند شد. همت و غیرت و ایمان صادقانه‌ی خیل عظیم مؤمنان انقلاب و اسلام بخصوص جوانان غیور و صالح که بدنه‌ی عظیم ملت ایران را تشکیل می‌دهند، یکبار دیگر در تاریخ تجربه‌ی احیاء نام و یاد آن حق مظلوم را، تکرار خواهند کرد. و به توفیق الهی خورشید فروزان شهادت، همه‌ی حجابهای تحریف و فریب را، خواهد شکافت. (۱۳۷۷/۰۷/۰۲)

عزیزان یک فریضه است. بعضی‌ها میخواهند این را به فراموشی بسپرند

عزیزان یک فریضه است. بعضی‌ها میخواهند این را به فراموشی بسپرند؛ همان کسانی که با معارف انقلاب و آرزوهای انقلاب و اهداف انقلاب میانه‌ی خوبی ندارند، با حفظ یاد شهیدان هم سرِ سازگاری ندارند و دوست نمیدارند. لکن مردم ما شهدا را دوست میدارند؛ به‌خاطر اینکه شهدای ما ایثار کردند؛ از حیات خودشان، از آسایش خودشان گذشتند؛ رفتند در میدانهای نبرد و جان خودشان را تقدیم کردند. این چیز کوچکی نیست؛ این خیلی بزرگ است. در مقام توصیف، انسان میتواند حرفهای زیادی بزند اما در مقام عمل، عمل کار همه نیست؛ ایمانهای بالا، عزمهای استوار و پولادین لازم است که انسان بتواند در این میدان وارد بشود و شهدا این کار را کردند. (۱۳۹۴/۰۲/۱۴).

می خواهند جادّی شهادت کور بشود، مسدود بشود،

توجّه داشته باشید که برای همین خاصیت سوّم، برای همین مسئله‌ی سوّم، مخالفین شما، دشمنان شما، میخواهند یاد شهدا احیا نشود و شهدا تکریم نشوند؛ برای اینکه جادّی شهادت کور بشود، مسدود بشود، برای اینکه دیگران تشویق به حرکت مجاهدانه نکنند. دیده‌اند و تجربه کرده‌اند و ما و شما هم تجربه کرده‌ایم که وقتی نام شهدا، یاد شهیدان، با عظمت برده میشود، جوان امروز که نه دوره‌ی جنگ را دیده، نه دوره‌ی امام را دیده، نه خاطره‌ای از آن زمان دارد، وقتی میفهمد که یک جایی در آن طرف منطقه و با هزاران فرسنگ فاصله دارند با دشمنان می‌جنگند، عاشق حرکت به میدان جهاد میشود، پا میشود میرود در حلب، در بوکمال، در زینبیه، بنا میکند

جنگیدن و به شهادت هم میرسد. ببینید! این به خاطر این است که شماها شهید را احترام کرده‌اید؛ چون شهادت مورد تکریم قرار گرفته، این به طور طبیعی حرکت شهادت‌طلبانه را، حرکت مجاهدانه را در کشور تقویت میکند. (۱۳۹۷/۱۲/۰۶)

بخش سوم: جاری شدن فرهنگ شهادت توسط خود شهیدان

نقش شهدای مدافع حرم در تغییر فضای فرهنگ شهدایی

شهدای مدافع حرم، فضای کشور را تغییر دادند؛ در این چند سال مفاهیم انقلاب را زنده کردند. عده‌ای میخواستند مفاهیم انقلابی را کهنه و کم‌رنگ کنند؛ فداکاری این دلهای مشتاق جوانهای شما که بلند شدند و رفتند در هزاران کیلومتر آن طرف‌تر از شهر و خانه‌ی خودشان مبارزه کردند و جنگیدند، و همسر عزیزشان، پدر و مادر مهربانشان، فرزندان و نور چشمانشان را گذاشتند و رفتند، برکت پیدا کرد؛ خدای متعال به این فداکاری بچه‌های شما برکت داد و موجب شد که در کشور بتوانند فضای جدیدی را به وجود بیاورند. درحالی‌که کشور ما هشتاد میلیون جمعیت دارد و تعداد شهدای حرم، زیاد هم نیست اما همین تعداد کم توانستند بر فضای عمومی این کشور هشتاد و چند میلیونی تأثیر بگذارند. یک نمونه‌اش را شما در همین تشییع جنازه‌ها دیدید - عکسهای تشییع جنازه‌ی بچه‌های شما در شهرهایتان را برای من آورده‌اند - هر جا که اینها تشییع جنازه شدند، این جمعیت عظیم مردم حضور پیدا کردند. (۱۳۸۶/۰۲/۳۱)

جاری شدن فرهنگ شهادت توسط شهیدان و دانستن معنای شهادت

شهیدان ما در ظلمات مادیگری این دوران، بار دیگر فرهنگ شهادت را که بالاترین سطح فداکاری برای آرمانهای بشری است زنده کردند و نور رستگاری را به انسانهای پاک‌طینت و حق‌طلب نشان دادند. اگر این درس بزرگ، بدرستی فرا گرفته شود، همه‌ی سلاحهای زر و زور از کار خواهد افتاد و ابزار سلطه‌گر جهانی برای سیطره بر اجتماعات بشری ناکارآمد خواهد گشت (۱۳۸۰/۰۷/۰۵)

نقش شهدا در فرهنگ شهدایی در جهان

قدر شهدای جبهه‌تان را بدانید، قدر آن مقاومت‌های مظلومانه را بدانید، قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکم‌تر امام راحل را بدانید؛ اینهاست که ملت فلسطین را یکطور، ملت لبنان را یکطور،

ملتهای امریکای لاتین را یکطور، ملت آفریقای جنوبی را یکطور، ملتهای خاورمیانه را یکطور، ملتهای بسیاری از کشورهای عرب را - که دولتهاشان وابسته‌ی به امریکا هستند - یکطور، تحت تأثیر قرار داده (۱۳۸۶/۰۲/۳۱)

بخش چهارم: جاری شدن فرهنگ شهادت توسط خانواده شهدا

مجاهدت شما ادامه دارد.

اگر پدران، مادران و همسران شهدا بی صبری و شکایت میکردند؛ مَنّت میگذاشتند و آه و ناله میکردند، مگر چهره این ملت این قدر درخشان میشد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید که با حرفهایتان، با بیاناتتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان به خاطر شهادت این فرزندان، چهره این ملت را این طور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است - مجاهدت او تمام شد - ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی این طور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون - آن هم برای مدتهای طولانی - است؟! هر کار خوبی را یک بار انجام میدهند، تمام میشود. صدقه در راه خدا، پولی است میدهند، تمام میشود و میرود؛ اما شهادت، این گونه نیست. ببینید چقدر والاست! این هم این بُعد دیگر. (۱۳۶۸/۰۸/۲۴)

بخش پنجم: زنده شدن رسم شهادت با نظام اسلامی

نقش انقلاب اسلامی در پیشبرد فرهنگ شهیدایی

آن چیزی که ما باید به آن افتخار بکنیم، این است که رسم شهادت و سنّت الهی قتل فی سبیل الله، با نظام اسلامی زنده شد. در گذشته کسانی که حاضر باشند در راه خدا یک سیلی هم بخورند کم بودند. کسانی بودند که همه‌ی عمر آنها میگذشت و در راه خدا تحمّل کمترین سختی‌ها را هم نمیکردند؛ یک اخم در راه خدا نمیکردند و یک اخم را هم در راه خدا تحمّل نمیکردند، چه برسد به اینکه جانشان را و سرمایه‌ی وجودشان را در راه خدا مصرف کنند. برای یک مَلّت که به نام اسلام زندگی میکند، خیلی بد است که احاد آن مَلّت در راه این هدف عزیز عظیم، هیچگونه مشکلی را بر خود هموار نکنند. پیدا است که اسلام در آن جامعه‌ای و نظامی که مردم مسلمان در آن نظام برای اسلام هیچگونه مشکلی را نخواهند تحمّل کنند، روزبه‌روز ذوب

خواهد شد، ... و یکی از بزرگ‌ترین خدماتی که انقلاب اسلامی و امام و رهبر عظیم این انقلاب به ملت مسلمان و به اسلام کردند، این بود که انگیزه‌ی فداکاری در راه خدا را در دلها به وجود آوردند. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

بخش ششم: نقش خداوند تبارک و تعالی

سنت الهی در پانگه داشتن یاد شهیدان، فرهنگ شهادت

با اینکه از پایان دفاع مقدس قریب سی سال - ۲۸ سال - می‌گذرد، در عین حال یاد شهیدان و نام شهیدان کهنه نخواهد شد، گم نخواهد شد. علت هم این است که خدای متعال فرموده است: *أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ*؛ (۱) زنده اند دیگر. کما اینکه شهدای تاریخ هم این جور هستند؛ این همه علمای بزرگ، شخصیت‌های بزرگ، سیاسیون بزرگ در طول تاریخ وفات یافتند و از دنیا رفتند و کمتر کسی از آنها در یادهای جامعه مانده، اما شهدایی که شناخته شدند به عنوان شهید، یادشان زنده است و زنده خواهد بود. شهدای ما هم همین جور هستند. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

نقش خدا در تاثیر گذاری بر فضای شهدایی

خیلی از آنهایی که در آن تشییع جنازه آمدند، شاید این جوان را اصلاً ندیده بودند و نمی‌شناختند اما آمدند؛ دلها کشانده میشود، دلها دست خداست؛ مثل آهن‌ربا جذب میکند، همان‌طور که امام حسین جذب کرده است. شهادت حسین بن علی (سلام‌الله‌علیه) فوق همه‌ی شهادتها است؛ ببینید چطور بعد از هزار و دویست - سیصد سال دلها را مثل مغناطیسی میکشاند. اربعین را ببینید، این راه‌پیمایی را ببینید، این اشتیاق جوانها به قبر آن بزرگوار و زیارت آن بزرگوار را ببینید، این مجالس روضه‌خوانی و سینه‌زنی را ببینید؛ اینها جاذبه است، این برکتی است که خدا به آن فداکاری داده است. بچه‌های شما هم همین جور؛ خدای متعال به خون بچه‌های شما، به شهادتشان، به فداکاری‌شان برکت داد و توانستند در کشور اثر بگذارند. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)

بخش هفتم: نقش و وظیفه ارگانها

اهمیت ادامه دادن راه توسط بازماندگان شهدا

نکته‌ی دوم و حرف آخر این است که بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار بکنند؛ اما به این افتخار اکتفا نکنند. راه شهدا را باید دنبال کنید. راه شهدا، راه دین بود، راه فداکاری برای اسلام بود، راه سربازی انقلاب بود، راه تقویت نظام اسلامی بود. خانواده‌ی شهدا، تبلیغ دین و احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را باید بیشتر از بقیه‌ی مردم، شعار خودشان قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال میکنند معنای این که خانواده‌های شهدا مورد احترام و عطوفت دستگاه‌های دولتی و مردم هستند، این است که این خانواده‌ها شهیدشان را داده‌اند، و دیگر وظیفه‌ای بر عهده ندارند؛ این اشتباه است. هر کسی که بیشتر برای این نظام سرمایه‌گذاری کرده، بیشتر موظف است که این نظام را حفظ کند. در یک شرکت، هر کس سهم بیشتری دارد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده‌های شهدا که سرمایه‌گذاری بیشتری برای نظام کرده‌اند - عزیزشان را در این نظام دادند - باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت این نظام حساس باشند؛ که بحمدالله همین جور هم هست. خوشبختانه بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که ان‌شاءالله موجب رضای روح مطهر شهدای ما است. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

خانواده‌های شهدا یاد آور و مظهر افتخار ملت

خانواده‌های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملتند؛ اما یک چیز دیگر هم در کنار این وجود دارد: خانواده‌های شهدا ما را همیشه به یاد دشمنیهایی که با این ملت شده، نگه میدارند. دشمن را نباید فراموش کرد. از دشمنی دشمن نباید غافل شد. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در جبهه‌ی نبرد خوابتان برد، معنایش این نیست که سرباز خط مقابل هم خوابش برده؛ نه، او بیدار است؛ منتظر است شما خوابتان ببرد تا بر سر شما بتازد. در میدان نبرد، کارزار همیشه نظامی نیست؛ گاهی سیاسی است؛ گاهی هم فرهنگی است. دشمن سعی میکند رخنه ایجاد کند؛ چشم‌ها را باید باز نگه داریم؛ نقطه‌ی رخنه را ببینیم و مراقب باشیم این رخنه توسعه پیدا نکند. باید جلوی رخنه‌های فرهنگی و سیاسی را بگیریم.

(۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

درس اربعین حسینی (ع)

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می‌دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی‌یی که خدای متعال برای این کار - مثل همه‌ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده‌ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم.

اگر زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجّاد (صلوات الله علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه‌ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، واقعه‌ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند. چرا امام صادق (علیه الصلاة والسلام) - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاههای تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله‌ی عاشورا و کلاً مسأله‌ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطننت‌آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌یی از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می‌رفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها السلام) و مجاهدت امام سجّاد (علیه السلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه‌داشت. (۱۳۶۸/۰۶/۲۹)

نقش خانواده شهدا در برابر فرهنگ شهیدایی

نکته‌ی دوم این است که خود خانواده‌ی شهدا؛ جوانهای شهدا؛ پسرهایشان، دخترهایشان بایستی پاسداران حقیقی ارزشهای شهید باشند. امروز بحمدالله بسیاری از فرزندان شهیدان و جانبازان ما در دانشگاهها، در رتبه‌های علمی یا فارغ التحصیل شدند یا در شرف فارغ التحصیلی هستند؛ مبادا امواج گوناگون، اینها را از آن ریشه‌ی باارزشی که دارند، غافل کند. ریشه‌ی آنها همان شهادت است. فرزندان جانباز افتخار کنند به پدران جانبازشان که با جوانی در عین سلامت و تندرستی جسمی به میدان جنگ رفتند و برای خاطر خدا سلامتشان را برای همه‌ی عمر - یا چشمش را، یا گوشش را، یا دستش را، یا نخاعش را - از دست داده‌اند. این، افتخار دارد. این حرکت عظیم، بزرگترین افتخار است. فرزندان این عزیزان، همسرانشان و خانواده‌هایشان به وجود اینها افتخار کنند. خود شما پاسداری کنید؛ نبادا بگذارید کسانی با تبلیغاتشان، با وسوسه‌هایشان این روحیه را بشکنند. من گاهی در ملاقات با خانواده‌های عزیز شهدا، از اینها می‌شنوم که از برخی از اظهاراتی که گاهی کسی گوشه‌کنار میکند، گله‌مندند. تحت تأثیر این حرفها قرار نگیرید. حقیقت را که نمیشود پوشاند؛ این حقیقت درخشان که عزیز شما توانسته است کشورش را، استقلالش را، عزت و حرمت ملی را حفظ کند. این نکته مربوط به خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان است. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

اگر خانواده‌های شهدا این صبوری را نمیداشتند

اگر خانواده‌های شهدا این صبوری را نمیداشتند، این تکریم به شهادت عزیزان خود برایشان این قدر بااهمیت نبود، قدر شهادت در جامعه‌ی ما میشکست. شهدا خودشان گوهر گرانبهائی شدند و درخشیدند و خانواده‌های شهدا با رفتار خود، با ایمان خود، با صبوری خود، این گوهر درخشنده را در معرض دید همه قرار دادند. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

بایستی همه‌ی توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت خانواده‌ی شهدا قرار بدهد.

نکته‌ی سوم در مورد بنیاد شهید است. بنیاد شهید بایستی همه‌ی توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت رفاه مادی و معنوی و اخلاقی خانواده‌ی شهدا قرار بدهد. این، اصل است. این اصل

باید در همه جا مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مشهد و خراسان و هم در نقاط دیگر. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

خدمات معنوی و فکری لازم‌تر است.

مسئولین مربوط در بنیاد شهید هم باید بر روی کارهای فرهنگی و فکری و خدمات معنوی به این خانواده‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری بکنند. خدمات مادی به خانواده‌های عزیز شهدا البته لازم است اما خدمات معنوی و فکری لازم‌تر است. اگر ما خدمات مادی را در اختیار این عزیزان قرار بدهیم اما خدمات معنوی و فکری را نه، در حقیقت کار عبثی انجام داده‌ایم. لذا بر روی مسائل معنوی و فکری باید برنامه‌ریزی بشود، کار بشود، سرمایه‌گذاری بشود و کار معقول، کار خوب، کار عمیق، کاری که کارشناس‌ها نشسته باشند آن را پیدا کرده باشند آن هم به دست صمیمی‌ترین و دلسوزترین و کارآمدترین افراد، باید انجام بگیرد. در آن چنان سرمایه‌گذاری‌ای، به هیچوجه ضرر نیست و هرچه هست نفع خواهد بود. (۱۳۶۸/۰۵/۲۸)

بخش هشتم: ویژگی‌های فعالان فرهنگی

نجابت و معصومیت و استحکام و اطمینان به سخن را داشته باشد

من تا مدت‌ها که روایت فتح پخش می‌شد، اصلاً شهید آوینی را نمی‌شناختم؛ ولی از مشتری‌های همیشگی روایت فتح بودم. یعنی هر شب جمعه، حتماً می‌نشستم و این برنامه را نگاه می‌کردم. روی من تأثیر زیادی می‌گذاشت و می‌دیدم که این کلام چقدر اثر دارد. یک‌وقت همان جوانان آمدند پیش من - به نظرم مال جهاد بودند - من در همان جلسه گفتم: «این صدای نجیبی که این‌ها را بیان می‌کند، چیز خیلی جالبی است؛ این را نگهدارید.» خودش هم قاعدتاً در آن جلسه بود. کسی هم به من نگفت که «این آقا است.» اما بعدها خود ایشان به من نوشت: «آن کسی که این‌ها را تهیه می‌کند، من هستم.»

کسی که می‌خواهد چنین برنامه‌هایی بسازد، باید آن نجابت و معصومیت و استحکام و اطمینان به سخن را داشته باشد. گاهی حرفی را کسی می‌زند و حرف بزرگی است؛ اما پیداست که خودش اعتقادی به این حرف ندارد. اما این صدا، آن صدایی است که بزرگترین حرف‌ها را می‌زند و خودش اعتقاد داشت. مثلاً می‌گفت: «این جوانان ما، به راه‌های آسمان آشناترند تا به راه‌های زمین.»

این را چنان می‌گفت که گویا راه‌های آسمان را خودش رفته، دیده و می‌داند که این‌ها آشنا تر هستند! ما خیال می‌کنیم صدای جنگی باید صدای کلفت و نخراشیده‌ای باشد اما ایشان آن‌طور صدایی نداشت. صدایی بود معصوم و نجیب و در عین حال استحکامی ویژه داشت؛ در قالب نوشتاری قوی و هنرمندانه. (۱۳۷۲/۰۶/۱۱)

بخش نهم: روش‌ها و نکات فرهنگ سازی

یک جوان امروز، نوجوان امروز، [باید] بداند که دفاع مقدّس چه بود

یک جوان امروز، نوجوان امروز، [باید] بداند که وقتی ما می‌گوییم دفاع مقدّس، این دفاع مقدّس چه بود؟ این از زبان آنها [بیان شود]. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً به دست فراموشی سپرده نشود

سعی کنید در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً به دست فراموشی سپرده نشود؛ اتقان. اتقان خیلی مهم است. گاهی اوقات انسان خیال میکند برای شیرین کردن یک قضیه در چشم مخاطبین، باید آن را با پیرایه‌ها و اغراق‌هایی بیامیزد؛ بعد که از یک افق بالاتری نگاه میکند، می‌بیند نه، این پیرایه‌ها - چون مصنوع ما بود - نه فقط بر ارزش آن عنصر حقیقی نیفزود، بلکه گاهی از آن کاست. اتقان را در نظر بگیرید و روایت را روایت صحیح قرار بدهید؛ نگذارید روضه‌خوانی برای شهدا، به سرنوشت روضه‌خوانی برای سیدالشهداء (علیه الصّلاة و السّلام) - در دوره‌هایی - دچار بشود. همان چیزی که هست را بیان کنید؛ منتها بیان هنرمندانه. ما می‌خواهیم کمبودهای هنرمندی خودمان را در تبیین حوادث عاشورا، با اضافه کردن افزودنی‌های غیرلازم پر کنیم؛ در حالی که نه، اگر ما بلد باشیم و ما هنرمند باشیم، هیچ افزودنی‌ای لازم نیست.

ما در مشهد یک واعظی داشتیم، مرحوم حاجی رکن؛ به او می‌گفتیم آقای رکن و حدود شاید چهل سال، چهل و پنج سال قبل از این - یا بیشتر - ایشان از دنیا رفته. منبری پیرمرد محاسن سفیدی بود، واعظ خوبی بود و منبر بسیار شیرین و جذابی هم داشت. میرفت منبر و روضه می‌خواند؛ این روضه مجلس را منقلب می‌کرد؛ زیر و رو می‌کرد. در حالی که مطلقاً - تعبیر خودش این بود و بارها در منبر می‌گفت که خاک بر دهانم اگر اسمی از نیزه و شمشیر و خنجر بیاورم - از این چیزهایی که متعارف است که گفته بشود، هیچ نمی‌گفت؛ اصلاً و ابداً. حادثه را تصویر می‌کرد؛ تصویر هنرمندانه.

یک هنرمند غریزی و بالذات بود. واقعاً یک هنرمند بود. اگر اینجور هنرمندها شناخته بشوند و تربیت بشوند، خیلی باارزشند. اینجوری است قضیه؛ ما اگر بتوانیم ابعاد و ابعاد حادثه را با نگاه هنرمندانه و با زبان هنرمندانه، ببینیم و تبیین و تصویر بکنیم، به افزودنی هیچ احتیاج ندارد؛ این افزودنی‌های مضر و رنگ‌آمیزی‌های غیرلازم هیچ لزومی ندارد.

در مورد شهدا هم همین کار را بکنید. خوشبختانه ما به عهد شهدا نزدیکیم، وصیتنامه‌های اینها را داریم، پدر و مادرهای اینها خیلی شان هستند و همزمان اینها حضور دارند؛ آدم می‌بیند. کتابی از همین کتابهای شهدا را من نگاه میکردم که با هم‌رزمهای او مصاحبه شده بود و جزئیات را ذکر میکردند؛ بعضی از آن هم‌رزمها خودشان شهید شده بودند و بعضی‌ها زنده بودند؛ انسان در هنگام خواندن کتاب به گریه می‌افتاد! هیچ لازم نبود که کسی برای انسان نوحه‌سرائی کند. مسئله‌ی شهدا اینجوری است. مسئله‌ی شهدا خیلی مسئله‌ی بزرگی است، خیلی مسئله‌ی داغی است؛ ما کمتر پرداخته‌ایم، کمتر می‌پردازیم. (۱۳۸۹/۰۴/۱۴)

خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم

در بیان زندگی نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

هدف‌تان نفوذ معارف شهادت در دل مخاطبین باشد

کاری که تا حالا کردید و گزارشش را دادید، خیلی خوب است؛ همین کارها کارهای خوبی است؛ یعنی هم ضبط خاطرات اینها و تجلیل از یاد اینها و نام اینها، ترویج تصاویر اینها یا کلماتی که از اینها نقل میشود، کارهای بسیار خوبی است. این فهرستی که شما در مورد اقداماتی که انجام گرفته، خیلی خوب است منتها هدف‌تان این باشد که معارف مربوط به شهادت و همان معنای ایثار و ایمان در مخاطبین امروز شما به معنای عمیق کلمه نافذ باشد. (۱۳۹۴/۰۲/۱۴)

کتاب و یادواره

من تشکر میکنم از کسانی که یادواره‌های شهدا، کنگره‌های بزرگداشت شهدا را با محتواها و مضمونهای قوی و عالی در سراسر کشور برگزار کردند و همچنین از آن کسانی که یاد و خاطره‌ی شهیدان را در کتابها تدوین و پخش کردند. بنده خودم از این کتابها هر چه دستم برسد می‌خوانم و

بهره‌مند می‌شوم؛ حقیقتاً بهره‌مند می‌شوم. انسان لذت می‌برد؛ از لحاظ روحی ابتهاج پیدا میکند وقتی این شرح حالها را می‌خواند. نگذارید این خط متوقف بشود. (۱۳۸۶/۰۲/۲۷)

کار چشم نواز لازم است اما مسائل محتوایی لازم است

کارهای چشم‌نواز لازم است. نام مبارک شهدا، عکسهایشان، تصویرهایشان، بعضی از کلماتشان در بعضی از خیابانها یا معابری که انسان حرکت میکند، چشم‌نواز و لازم است؛ لکن از این مهم‌تر، آن مسائل محتوایی است. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

باید سبک زندگی شهیدان را برای جوانان ترسیم کنیم

این یک نکته است که ما زندگی شهیدان را، سبک زندگی شهیدان را، برای جوانهایمان، برای نسلهای رو به آینده مان تصویر کنیم، ترسیم کنیم، به آنها نشان بدهیم که ببینند چه بود و چه شد. چون جنگ تحمیلی که در واقع دفاع مقدس بود، این یک چیز کوچکی نبود؛ ما هنوز هم بعد از گذشت سالها، ابعاد مهم این جنگ را درست نتوانستیم برای مخاطبین خودمان تشریح کنیم؛ یک جنگ بین‌المللی بود، یک جنگ بین‌الملل بود علیه اسلام، علیه حاکمیت اسلام، علیه امام بزرگوار؛ یک جنگ این‌جوری بود. حالا قلّه‌ی آن و به اصطلاح سر نیزه را آن بدبخت بی عقل بعثی صدام قرار داده بودند و الا پشت سر او، عقبه‌ی او دیگران بودند؛ کسانی که به او کمک میکردند، کسانی که به او راه نشان میدادند، کسانی که وسایل کار او را برایش فراهم میکردند؛ اگر یک وقتی هم احتمالاً سست میشد، تقویتش میکردند که نگذارند [ضعیف شود]؛ ما با یک چنین جنگی مواجه بودیم. اینهایی که توانستند کشور را از یک چنین بلیه‌ای نجات بدهند، چه کسانی بودند؟ این برای جوان امروز ما مهم است. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

بزرگداشت شهیدان کارهای بسیار باارزشی است

بزرگداشت شهیدان، احیای نام آنان، تحقیق در مورد کارهای آنها، تولید آثار مکتوب و تصویری و صوتی و امثال اینها از زندگی آنها و از اقدامات و جهاد آنها، کارهای بسیار باارزشی است. (۱۳۹۲/۰۹/۲۵)

جنبه‌های محتوایی تقویت شود

سعی بشود جنبه‌های محتوایی و تربیتی و هدایتی یادواره‌های شهدا تقویت بشود. هر یادواره‌ای که شما به وجود می‌آورید، یک تأثیر اساسی در یک جمع کثیری [میگذارد]. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

شهدا نباید تفکیک شود

سعی بشود شهدای روحانی تفکیک نشوند از شهدای دیگر. بالاخره شهدا همه شهیدند در راه خدا؛ چه طلبه باشد، چه معمم باشد، چه بی‌عمامه باشد، همه‌ی اینها در راه خدا شهیدند و در نزد خدای متعال زنده و «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (۱) و ما با حسرت و با غبطه باید نگاه کنیم به مقام والای شهدا و [آن را] آرزو کنیم؛ ارزش آنها بالاتر از این حرفها است. ولی به‌هرحال شهدای روحانی یک مجموعه‌ای هستند که درباره‌ی آنها میشود کار کرد. (۱۳۹۶/۰۸/۲۲)

فرهنگ شهدایی با معرفی شهدای یه قشر

خیلی تشکر میکنیم از اینکه برادران و خواهران عزیز ورزشی، به این فکر افتادید که شهدای ورزشکار را از خیل عظیم شهدای کشور بیرون بکشید و معرفی کنید تا جامعه بفهمد که فداکاری در راه خدا و در راه دین و در راه انقلاب با دادن جان و یا معلول شدن، مخصوص یک قشر خاصی نیست؛ همه‌ی قشرهای کشور در این مسابقه‌ی عظیم و معنوی که «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» [است]، شرکت داشته؛ به نظر من این خیلی کار جالب و ابتکار جالبی است که شهدای ورزشکار را معرفی کنید. و شاید بنده هم مثل دیگران نمیدانستم که ما پنج‌هزار شهید ورزشکار داریم، یا در بین همین شهدای اخیر دفاع از ولایت اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) و دفاع از حرم اهل‌بیت (علیهم‌السّلام) ورزشکارانی هستند، قهرمانانی هستند؛ اینها خیلی باارزش است. شما با این کارتان روحیه‌ی انقلابی را در کشور تقویت میکنید، فکر انقلابی را اعتلاء مبخشید. (۱۳۹۴/۱۰/۲۱)

چگونگی فرهنگ سازی شهادت و کار شهید آوینی در این زمینه

کارهایی که ایشان (شهید آوینی) داشتند این شاء الله نباید زمین بماند. این شاء الله برای روایت فتح يك فكر درست و حسابی شده است که ادامه پیدا کند. نباید بگذارند که کارهای ایشان زمین بماند. این کارها، کارهای باارزشی بود. ایشان معلوم می‌شود ظرفیت خیلی بالایی داشتند که این قدر کار و این همه را به‌خوبی انجام می‌دادند. مخصوصاً این روایت فتح چیز خیلی مهمی است. شب‌هایی که پخش می‌شد من گوش می‌کردم. ظاهراً سه چهار برنامه هم بیشتر اجرا نشد. حالا يك مسئله این است که آن کاری را که ایشان کرده‌اند و حاضر و آماده است، چگونه از آن بهره‌برداری بشود. يك مسئله هم این است که کار ادامه پیدا کند. آن روز که ما از این آقایان

خواهش می‌کردیم و من اصرار می‌کردم که این روایت فتح ادامه پیدا کند، درست نمی‌دانستم چگونه ادامه پیدا کند. بعد که برنامه‌ها اجرا شد، دیدیم همین است. یعنی زنده کردن ارزش‌های دفاع مقدس در خاطر‌ها. آن خاطره‌ها را یکی‌یکی از زبان‌ها بیرون کشیدن و آن‌ها را به تصویر کشیدن و آن فضای جنگ را بازآفرینی کردن. این کاری بود که ایشان داشت می‌کرد و هر چه هم پیش می‌رفت، بهتر می‌شد. یعنی پخته‌تر می‌شد. چون کار نشده‌ای بود. غیر از این بود که بروند در میدان جنگ و با رزمنده حرف بزنند. آن کار خیلی آسان‌تر بود. این کار هنری‌تر و دشوارتر و محتاج تلاش فکری و هنری بیشتری بود. اول ایشان شروع کرد و بعد کم‌کم بهتر و پخته‌تر شد. (۱۳۷۲/۰۲/۰۲)

نباید احساسات و حالتی که در دوران جنگ بود، از حافظه‌ها زدوده شود

مستندسازی که من اصرار داشتم باقی بماند، به خاطر نقش ویژه‌ی آن در حفظ فضای جنگ در کشور است؛ نه این که بخواهیم القای حالت جنگی بکنیم. الان که عملاً جنگ نیست لکن ما می‌خواهیم نگذاریم آن احساسات و حالتی که در دوران جنگ بود، از حافظه‌ها زدوده شود. باید ببینید در هر زمان چه چیز مناسب است و آن را تهیه کنید. اگر بتوانید مستندسازی را ادامه دهید، به نظر من کار مهم و خوبی است. البته در مستندسازی، نقش کلام همان کاری که خود مرحوم شهید آوینی می‌کرد خیلی مهم است. هم نوشتار و هم بیان آن نوشتار، بسیار بسیار مهم است. اگر نکته‌گویی‌های او نبود، خیلی از منظره‌ها اصلاً معنی نداشت. (۱۳۷۲/۰۶/۱۱)

نکته‌ی در باب مستندسازی شهدا

این نوشته‌ها، نوشته‌های قوی و خوبی بود. خود ایشان می‌نوشت و خودش هم اجرا می‌کرد. اگر بتوانید روی این‌ها کار کنید و چیز خوبی تهیه کنید ولو نتوانید نیم‌ساعت برنامه بدهید، عیبی ندارد. یک‌ربع برنامه هم بدهید، خوب است. مقدمه‌اش را کم کنید. مقدمه‌ی طولانی، خوب نیست. مقدمه، هر چه خوب باشد، باید کوتاه باشد. چرا؟ چون تکراری است. من مقدمه‌ی برنامه‌ی اول را با لذت گوش می‌کنم. در برنامه‌ی دوم، این لذت کم می‌شود. برنامه‌ی چهارم و پنجم، دیگر یک چیز تکراری است. لذا، مقدمه هر چه کوتاه‌تر باشد بهتر است و آن رنج و ملالت تکرار را کم می‌کند. اما اصل برنامه را اگر نمی‌توانید زیاد کنید، یک ربع، ده دقیقه قرار دهید. اگر چه خود شهید آوینی هم نمی‌توانست. همان چند برنامه‌ای که ایشان بعد از جنگ تهیه کرد، خیلی ممنون شدم؛ واقعاً هم عالی بود اما با چیزی که در زمان جنگ بود، فرق داشت. (۱۳۷۲/۰۶/۱۱)

شهدا را باید با شیوه‌های گوناگون به عنوان الگو جلوی چشم نگه دارید

عزیزان من! می‌خواهم بگویم اینها الگویند. جوان در همه جای دنیا به الگو نیاز دارد؛ اینها الگوی جوانهایند؛ این الگوها را زنده کنید، اینها را جلوی چشم نگه دارید. البته کتابهایی نوشته میشود، شرح حال‌هایی نوشته میشود؛ کافی نیست، اینها را با شیوه‌های گوناگونی که در دنیا معمول است، به عنوان الگو جلوی چشم نگه دارید؛ بهترین الگوها اینها هستند. شما بهترین الگوها را در بسیج میتوانید پیدا کنید. اینها را بازآفرینی کنید؛ امثال این چهره‌ها هر روز بایستی در بسیج ظهور کنند، بروز کنند. [امام] فرمود بسیج شجره‌ی طیّبه است؛ شجره‌ی طیّبه هم این است که «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»، در همه‌ی دورانها میوه‌ی خودش را خواهد داد. (۱۳۹۸/۰۹/۰۶)

شهدا را برجسته کنید الگو نمایید

گاهی بعضی‌ها پیش ما شکایت میکنند که ما الگو به جوانهایمان نشان نمیدهیم؛ خب، این هزاران الگو؛ ۳۰۰۰ الگو در این استان، ۱۸۰۰ الگو در این استان، و هزاران الگو در استانهای گوناگون، شهدا را برجسته کنید؛ سیمای منور اینها را درست در مقابل چشم جوانها نگه دارید. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

فصل هشتم:

تکریم

فریضه‌یی عینی و تعیینی و همیشگی

وظیفه‌ی قدردانی از ایثارگران به ویژه شهیدان، فریضه‌یی عینی و تعیینی و همیشگی است. (۱۳۷۲/۰۷/۰۱)

یکی از فرصت‌های عرض ارادت و اخلاص

روز شهیدان در دهه‌ی مبارک فجر، یکی از فرصت‌های عرض ارادت و اخلاص، به ساحت والای شهیدان انقلاب اسلامی است. (۱۳۷۶/۱۱/۱۵)

کار در جهت دفاع از نظام اسلامی و مؤثر در این راه است

کار شما که [نام] شهدا را احیاء و بلندآوازه میکنید و برای اینها بزرگداشت میگیرید، قطعاً در جهت دفاع از نظام اسلامی و مؤثر در این راه است و ان شاءالله یک صدقه‌ی جاریه و یک حسنه‌ی ماندگار است. (۱۳۹۵/۰۹/۱۵)

تکریم شهدا فقط به معنای تکریم او نیست بلکه تکریم کار او هم هست

اولاً خیلی تشکر میکنم از شما آقایان محترم و برادران عزیز به خاطر این اقدام بجا و ان شاءالله مؤثر، یعنی تکریم شهیدان و بزرگداشت نام مکرم و مطهر شهیدان. اینکه ما یک اقدام کننده را، یک حرکت کننده را بزرگ بداریم و به او اهمیّت بدهیم، نه فقط تکریم او است و نه فقط تکریم کار او است بلکه به معنای ایجاد تداوم در حرکت او است؛ این مهم است؛ از همه مهم‌تر این است. وقتی یک نفری میرود در میدان جهاد و شما او را تکریم میکنید، سه کار انجام داده‌اید: یکی اینکه این مجاهد فی سبیل الله را تکریم کرده‌اید، احترام کرده‌اید؛ یکی اینکه جهاد را تکریم کرده‌اید؛ کار سوم این است که شما دیگران را به ادامه‌ی این راه تشویق کرده‌اید. این اتّفاقی است که در جنگ تحمیلی ما و دفاع مقدّس هشت ساله‌ی ما افتاد؛ یعنی یک جوانی رفت جبهه و شهید شد، پدر او، مادر او، مردم دیگر به نام او افتخار کردند، این موجب شد افراد زیادی به سمت میدان جهاد حرکت کنند و این راه ادامه پیدا کند. در دوران دفاع مقدّس، از رزمندگان با احترام یاد میشد؛ این موجب میشد که کسان زیادی میل به این حرکت و به این میدان پیدا کنند. خب، این یک اتّفاقی است که در دوره‌ی دفاع مقدّس افتاده، بعد از آن هم تا امروز کم و بیش این کار شده. (۱۳۹۷/۱۲/۰۶)

وظیفه ما و شما

برای بزرگداشت شهدا اقدام کنید. این وظیفه ما و شماست. نام شهیدان سرافراز را زنده کنید؛ آن کسانی که عزیزترین و گرانقیمت‌ترین سرمایه خود را ایثار کردند. (۱۳۷۶/۰۱/۲۷)

احترام شهدا و خانواده آنها راهبرد حقیقی برای ملت

اگر من از شهدا احترام میکنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا میکنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ماست؛ یاد شهدا باید گرمی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های پُرطاقت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان؛ اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده‌ی کشور ما این پرچم بر سر پا بماند. (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

اهمیت احیاء و حفظ مفهوم شهادت

من از برادران سپاه، به خاطر این اقدام که تجلیل از شهداست، خیلی متشکرم. همه باید تجلیل کنند. سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و دستگاههای دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم شهادت - این مفهوم با عظمت و پرارزش و بسیار مؤثر - را در کشور ایران اسلامی و در میان ملت مبارز ایران احیا و حفظ کنند؛ اگر چه خون مطهر شهدای ما در سطح جهان، بار دیگر این مفهوم را احیا کرد.

(۱۳۷۶/۰۲/۱۷)

جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد

نکته‌ی خوبی را برادرمان گفتند که وقتی جلسه‌ای تشکیل میشود در بزرگداشت شهیدان، آنهایی که شرکت میکنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدهند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد؛ واقع قضیه این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد؛ اینها را گسترش بدهد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدهد. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷)

جلسات بزرگداشت شهدا، ادامه‌ی حرکت جهادی و ادامه‌ی شهادت است.

بسیار کار خوب و شایسته‌ای است این کاری که شما برای بزرگداشت شهیدان استانتان انجام دادید و ان شاءالله انجام خواهید داد. مسئله‌ی جنگ تحمیلی و عوارض آن - که از جمله، همین فداکاری‌ها و ایثارها و شهادتها است - یک مسئله‌ی عادی نیست؛ یک مسئله‌ی متعارف و معمولی نیست؛ یک مسئله‌ی فوق‌العاده است. اگر درست نگاه کنیم، مجموعه‌ی حوادثی که در این سالها اتفاق افتاد و این فداکاری‌هایی که جوانهای ما کردند، میتواند یک ذخیره‌ی ماندگاری باشد برای همیشه‌ی انقلاب. نباید بگذاریم که این ذخیره بلااستفاده بماند؛ راهش هم همین است که یاد شهیدان زنده باقی بماند. (۱۳۹۳/۱۱/۲۷).

جانبازها وقتی به طور متمایز و شاخص در جامعه تجلیل بشوند

امروز جانبازها وقتی به طور متمایز و شاخص در جامعه نشان داده بشوند، معرفی بشوند، تجلیل بشوند، احترام بشوند و مورد تکریم قرار بگیرند، این به معنای به میان آوردن و به عرصه آوردن تمثیل واقعی ایثار است؛ این خیلی اهمیت دارد. (۱۳۹۰/۰۷/۰۶)

یاد شهیدان باید با تدبر و عبرت‌گیری همراه باشد.

یاد شهیدان، یادبود ارزشهای انسانی است، و گرامیداشت آنان، تجلیل از برترین خصال بشری است. یاد شهیدان باید با تدبر و عبرت‌گیری همراه باشد. (۱۳۹۵/۰۷/۰۵)

گردآوری و تنظیم:

www.nomov.ir